



توانا بود بهر که دانا بود

کتاب دوم اکابر

مخصوص تدریس در کلاس دوم آموزشگاههای اکابر

حق چاپ محفوظ و منوط با اجازه

وزارت معارف است

چاپ چهارم

۱۳۱۶

شرکت طبع کتاب

غنیابان ناصر خسرو

ندره تلفن ۵۱۱۴



شرکت چاپخانه فرهنگ

کتاب‌دستانی

که از طرف وزارت معارف تألیف شده

کتاب اول قیمت در تمام ایران: ۲ ریال

• دوم ۳٫۵۰

• سوم ۴٫۰۰

• چهارم ۶٫۰۰

• پنجم ۷٫۰۰

• ششم ۸٫۰۰

• پنجم دختران ۷٫۰۰

• ششم ۸٫۰۰

• اول اکابر ۲٫۲۵

• دوم ۲٫۱۵

• پنجم و ششم فلاحی ۱۰٫۰۰

• تاریخ جت سالهای پنجم و ششم ۴٫۰۰

• جغرافیا ۱۲٫۰۰

• آیات منتخبه از کلام ائمه مجید ۱٫۷۵

مرکز فروش - طهران - شرکت مطبوعات، شرکتی و مطبع کتاب

و در ولایات نمایندگان شرکتین



توانا بود هر که دانا بود

کتاب دوم اکابر

مخصوص تدریس در کلاس دوم آموزشگاههای اکابر

حق چاپ محفوظ و منوط با اجازه

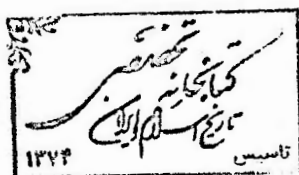
وزارت معارف است

اسکن شد

قیمت مقطوع با جلد در تمام نقاط کشور ۲ ریال و پانزده دینار

است و بعنوان تزییه و دستمزد فروشنده در هیچ

نقطه چیزی علاوه نخواهد شد



چاپخانه سعادت - خیابان بوزرجمهری

آغاز سخن

بنام خداوند جان و خرد
خداوند نام و خداوند جای
چه خواهی که یای بهر بدرها
شوی دردوگیتی زبدرستگار
بگفتار پیغمبرت راه جوی
ترا دین و دانش رهاند درست
برنج اندر آری تنت را رواست
برنج اندر است ایخردمند گنج
توانا بود هر که دانا بود
که خود درنج بردن بدانش رواست
نیابد کسی رنج نابرده گنج
بدانش دل پیر برنا بود
فردوس

آسمان و ستارگان

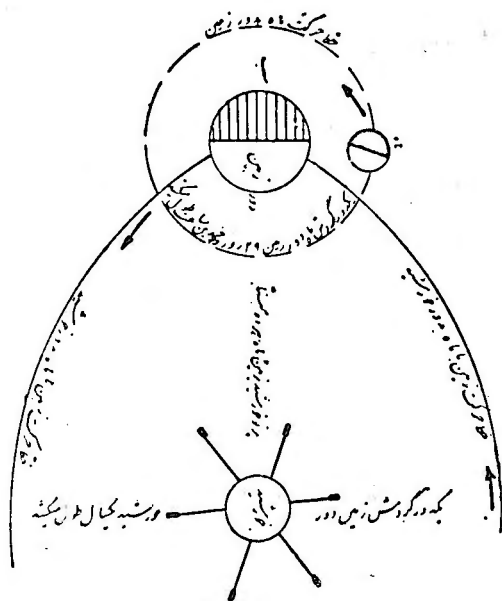
چون هنگام شب به آسمان بنگریم نقطه های درخشان
بیشماری خواهیم دید که آنها را ستاره میگویند. در میان
ستارگان آسمان جای برخی از آنها نسبت به ستاره های دیگر
تغییر میکند و آنها را ستاره های سیار میگویند.

سیاره های معروف عبارتند از زهره، زمین، مریخ، مشتری.
آفتاب نیز یکی از ستاره های آسمان میباشد ولی چون
بزمین نزدیکتر است آنرا بزرگتر از ستارگان دیگر مبینیم.

سیارات همه بگرد آفتاب میچرخند و دوره گردش هر
سیاره را بدور آفتاب سال آن سیاره میگویند چنانکه سال زمین
۳۶۵ شبانه روز و سال مشتری قریب دوازده سال زمین است.
بعضی از سیارات دارای ماههایی هستند که بدور آنها

میچرخند چنانکه زمین دارای یکماه است و مشتری و مریخ
چندین ماه دارند، ماه زمین از خود روشنی ندارد و از نور آفتاب
روشن میشود و از این رو گاهی تمام و گاهی قسمت باریکی از آن

روشن است - هنگامی که تمام ماه روشن است آنرا بدر و هنگامی که قسمت باریکی از آن نورانی است هلال نامیده میشود. خورشید کره بسیار بزرگی است که قریب يك ميليون ونیم برابر زمین میباشد و بزمین و ماه و سیارات روشنائی میدهد.



درخت کاری

کاشتن درخت علاوه بر اینکه دارائی شخص را زیاد میکند فایده های بیشمار دیگری هم دارد . درخت از زیادی گرما در تابستان جلوگیری میکند بخار های مضر هوا را گرفته در مقابل بخار های مفید در فضا منتشر میسازد .

از بزرگترین فواید درختکاری بهداشت و تندرستی مردم کشور است پشه های مالاریا در زمینهای باتلاقی تخم میگذارند بهمین جهت هر جا باتلاق باشد تب و نوبه فراوان است اگر در زمینهای باتلاقی درخت بنشانیم آب آن خشک میشود و ریشه تب و نوبه از میان میرود ما نیز از میوه درختان فایده میبریم . از میان درختهای بی میوه درخت بید و کاج برای بهداشت عمومی خیلی سودمند است .

شهرها

من يك شخص كثيف و فرومایه را می‌شناسم که خانه خود را
 كثيف نگاه میدارد ، دیوارها را تمیز نمی‌کند ، داخل
 خانه اش پر از زباله و کثافت است ، همه از او بد می‌گویند
 برای آنکه کثافت مایهٔ نکبت و فلاکت است .

البته شما شخص عاقلی هستید خانه خود را تمیز نگاه
 میدارید . این بسیار خوب است اما کافی نیست ، شما يك خانه
 بزرگتر دارید این خانه بزرگ شهری است که در آن زندگی
 میکنیم ، شما همه باید در نظافت و زیبایی این خانه بکوشید اگر
 شهر ما نظیف و زیبا نباشد از زیبایی خانه خود ثمری نمی‌بریم .
 شما اگر دقیق باشید میتواندید زیبایی شهر خودتان خیلی
 كمك کنید خاکروبه و کثافات را در کوچه نریزید ، دیوارهای
 بیرون خانه خود را سفید و تمیز نگهدارید ، نگذارید ظرف
 و لباس را در آب جاری بشویند .

كسانی که در يك شهر زیبا و نظیف زندگی میکنند خوشبخت
 و سالم هستند ، شما هر قدر میتواندید زیبایی و پاکیزگی شهر
 خودتان كمك کنید تا خوشبخت شوید .

تهران

تهران پایتخت کشور ایران است. هر شهری که اقامتگاه پادشاه و هیئت دولت باشد پایتخت نامیده میشود. تهران در چهارصد سال پیش قریه کوچکی بوده در دوست سال پیش پایتخت شده و آبادی و قشنگی و ساختمانهای معتبر آن از زمان زمامداری اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی آغاز شده و اکنون بیشتر از سیصد هزار نفر جمعیت دارد.

مرکز تهران میدان سپه است که بنای شهر داری در شمال و پست و تلگراف در جنوب آن واقع شده و از اطراف آن شش خیابان بچار جهت میرود، اداره های کشوری در جنوب غربی میدان سپه که پیشتر موسوم به ارک بود ساخته شده و قصرهای سلطنتی نیز در آن قسمت است.

از میدان سپه خیابانی بسمت مغرب شهر میرود که خیابان سپه نام دارد، کاخ شاهنشاهی و دانشکده افسری در آخر آن خیابان است.

از جنوب شرقی میدان سپه خیابان ناصر خسرو بطرف
بازارهای قدیمی شهر میرود، از شمال غربی میدان سپه خیابان
فردوسی بسمت شمال رفته و بنای بازگ ملی ایران در آنست
دانشگاه تهران در شمال غربی شهر و دانشگاه جنک در
مغرب شهر است .

در خارج شهر تهران کارخانه‌های معتبر مانند کارخانه
قند و کارخانه سیمان و کارخانه برق و کارخانه چرم سازی و
نخ ریزی و نجاری و تعمیرات ماشین بوجود آمده است .
در جنوب غربی تهران ایستگاه راه آهن است که بناهای
باشکوه و انبارهای بزرگ و کارخانه‌های تعمیر دارد و در حقیقت
شهری جداگانه است .

فاصله تهران از قم و قزوین و فیروزکوه قریب ۲۴ فرسخ است

اردشیر باکان

پس از حمله اسکندر بایران مدتی کشور نامنظم و بی ترتیب ماند تا بار دیگر ایرانیان دولتی بنام دولت اشکانی در ایران برپا ساختند.

پادشاهان دودمان اشکانی هر چند دلیر و جنگجو بودند و چندین بار بیگانگان را شکست داده و از کشور براندند اما چون به آداب و رسوم ایرانیان عهد هخامنشی توجهی نداشتند و در پیشرفت علوم و صنایع و بسط تمدن میکوشیدند مردم ایران پادشاهی آنان دلبستگی نداشتند بعلوه اشکانیان در اواخر دولت خود ناتوان شده بودند دولت روم هم که همسایه و رقیب دولت ایران بود گاهی بکشور ما دست اندازی میکرد باین جهت ایرانیان در گوشه و کنار ب فکر تأسیس دولتی دیگر افتادند که کشور را از این حال بیرون آورد. در همین هنگام اردشیر که از خانواده حکمرانان فارس بود بحکومت فارس رسید و بر آن شد که دولت اشکانیان را برهم زده دولت نوینی برپا سازد باین خیال لشگری

فراهم آورد و پس از چند جنگ با اشکانیان بر آنان غالب گردید و در هزار و هفتصد و یازده سال پیش از این سلطنت دیگری در ایران تأسیس کرد. چون جد اردشیر ساسان نام داشته دولتی را که او تأسیس کرد ساسانیان میگویند و چون پدرش بابک نامیده میشده او را اردشیر بابکان خوانند.

اردشیر بس از مطیع ساختن تمام ولایات بجنک با رومیان پرداخت و بر آنان نیز غالب شد آنگاه بزنده ساختن کیش و رسوم و تمدن و علوم و صنایع ایرانیان دوره هخامنشی همت گماشت و در این قسمت نیز فیروزی یافت باین جهت اردشیر از پادشاهان بزرگ ایرانست که در سر افزای ایرانیان و آبادی ایران بسیار کوشیده است.

عدد نویسی

عدد هزار را چنین مینویسیم ۱۰۰۰ اگر يك واحد به آن اضافه شود هزار و يك را چنین باید نوشت ۱۰۰۱ و همچنین ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۰۰، ۱۱۰۰۰ يك مليون یا هزار هزار چنین نوشته میشود ۱۰۰۰۰۰۰۰ اگر چند رقم را پشت سر هم نوشته باشند برای خواندن آنها باید از طرف راست سه رقم سه رقم جدا کرد بدین طریق: ۳۵۶۲۷۴

رقم ۶ در مرتبه هزار قرار گرفته و ۵ در مرتبه ۱۰ هزار و ۳ در مرتبه صد هزار پس از طرف چپ چنین میخوانیم سیصد و پنجاه و شش هزار و دویست و هفتاد و چهار. این عدد ۱۲۹۷۵ خوانده میشود دوازده هزار نهصد و هفتاد و پنج. این عدد ۱۳۱۵ خوانده میشود یک هزار و سیصد و پانزده. مسئله اعداد آینده را بخوانید:

۱۱۳۸۰۴-۲۷۱۱۰۵-۱۷۵۰۱۲-۱۰۰۱۵-۱۳۲۰۴-۲۰۵۷۳
 اعداد آینده را بنویسید: هزار و صد و یازده - دویست و شانزده
 صد و دوازده هزار و هفت - نهصد و هفتاد و پنج هزار و يك.

باد و باران و ابر و مه

هر چیز که گرم شود اندکی بزرگتر میشود یعنی حجمش زیادتر و وزنش کمتر و سبکتر خواهد شد. هوایی که زمین را فرو گرفته چون از تابش آفتاب در محلی گرم شود سبک شده و هوای سرد نقطه دیگری که نزدیک آن باشد سنگینتر است و میخواهد جای هوای سبک را بگیرد باینجهت جنبشی در هوا پیدا میشود که آنرا باد گویند پس باد یعنی حرکت هوا ازجائی بجائی دیگر. چون هوا ازروی دریا حرکت کرده بخشکی بوزد بخار آب درخود دارد و چون بجای سرد برسد و کوه ها جلو آنرا بگیرد آن بخار بشکل چکه های بسیار کوچک بزمین میریزد و آنرا باران گویند و هر چه رطوبت هوا و سردی خشکی بیشتر باشد باران تندتر و بصورت رگبار است و اگر هوای خشکی بسیار سرد باشد قطره ها و چکه های باران یخ زده بشکل برف در میاید.

اگر رطوبت بسیار زیاد و نزدیک بزمین باشد مه پدید میاید و اگر در هنگام مه هوا اندکی گرم شود مه از میان

میرود و اگر اندکی سردتر بشود بصورت شبنم یا باران در میآید.
 آب چون یخ ببندد شکلهای شش گوشه بسیار زیبا پیدا
 میکند. ذره ها و دانه های برف همه گروهی از شش گوشه
 های تشنگند و برای دیدن آنها باید هنگامی که برف میبارد پارچه
 سیاه سردی را در زیر برف گرفته دانه های تشنگ آنها را دید.



شش گوشه های برف

اومیت

تن آدمی شریف است بجان آدمیت
 نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
 اگر آدمی بچشم است و زبان و گوش و بینی
 چه میان نقش دیوار و میان آدمیت
 بحقیقت آدمی باش و گر نه مرغ باشد
 که همان سخن بگوید بزبان آدمیت
 طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت
 بدر آی تا به بینی طیران آدمیت
 مگر آدمی نبودی که اسیر دیو ماندی
 که فرشته ره ندارد بمکان آدمیت
 اگر این درنده خوئی ز طبیعتت بمیرد
 همه عمر زنده باشی به روان آدمیت
 سد آدمی بجائی که بجز خدا نیند
 بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت
 بنصیحت آدمی شو نه بخویشتن که سعدی
 هم از آدمی شنیده است بیان آدمیت

مرآجه به پزشك

هر وقت کسی ناخوش بشود یا زخمی و جراحی پیدا کند باید بیدرنک نزد طبیب و جراح برود ، پیغمبر اسلام که همه اهل عالم بدانائی و معرفت و حکمتش اعتراف دارند هر وقت بیمار میشدند و کسالت پیدا میکردند بطیب حاذق رجوع میفرمودند. معالجه هر دردی از اول آسانست و وقتی بیماری طول کشید و مرض کهنه شد علاج آن خیلی مشکل میشود فرض کنیم کسی مبتلا به تب و نوبه شد اگر ابتدا نزد طبیب نرفت مزاجش روز بروز ضعیف تر میشود خوش فاسد میگردد سپرزش کم کم بزرگتر شده کبدش از کار می افتد و وقتی جگر انسان خراب شد دیگر برای پزشك جلوگیری از عاقبت خطرناک مرض مشگل خواهد بود . اگر هم شخصی از پیش خود یا بحرف دوستان جاهل وسایل غیر طبی بکار برده یا دواهاییکه از کیفیت و اثر آنها بیخبر است استعمال کند خود را در معرض مخاطرات و شدت مرض خواهد گذارد . هیچوقت نباید بدون اجازه طبیب دوائی خورد زیرا سبب پشیمانی شده و غالباً نتیجه های شوم و خطرناک خواهد داشت.

دولت و افراد

ملت یعنی يك دسته مردم هم نژاد و همزبان که در يك کشور زندگی میکنند .

دولت یعنی هیئتی که کارها، حقوقی و مالی و معارفی مردم را اداره مینماید و کشور را سرپرستی میکند :

بنا بر این دولت و ملت را نباید دو چیز مختلف فرض کرد . اگر کشور را بجای خانه و ملتری بجای مردم خانه حساب کنیم دولت سرپرست و نگهبان خانه است ، دولت برای بزرگی کشور و پیشرفت ملت و آسایش افراد کار میکند ، افراد نیز باید هر کدام باندازه خود برای پیشرفت مقاصد دولت کمک کنند و از اینراه بنای آسایش خود را محکم و استوار سازند تمام افراد باید نظامات دولتی را اطاعت کنند در راه پیشرفت نقشه های دولت بکشند و از حدود قوانینی که برهنمائی دولت از طرف مجلس برای رفاهیت مردم وضع و تصویب شده است تجاوز نکنند ، آنها که از روی بیخبری از نظامات و مقررات دولتی

تجاوز میکنند ندانسته تیشه بریشه خود میزنند و بید بستی
خود و دیگران کمک میکنند .

شما طفل خودتان را بمدرسه میگذارید و برای تحصیل او
دیناری نمیدهید ، از صریضخانه ها و مؤسسات سود مند کشور
استفاده میکنید ، از پست و تلگراف و هزاران چیزهای دیگر
که در زندگانی شما مؤثر است بهره مند میشوید ، اگر کسی
بشما تعدی کرد بوسیله محکمه سزایش را میدهید .

همه این چیزها را دولت برای شما فراهم کرده است .
البته دولت با کمک افراد کارهای خود را انجام میدهد ، بنابراین
تمام ما وظیفه داریم تا آنجا که میتوانیم برای پیشرفت مقاصد
دولت کمک کنیم و دیگران را نیز باینکار وادار نمائیم . کمک
به پیشرفت مقاصد دولت بوسیله اطاعت از قوانین و نظامات
برای همه کس میسر است .

شیراز و بوشهر

مرکز ایالت فارس شهر قدیمی شیراز است که فاصله آن از طهران ۹۰۰ و از اصفهان ۴۸۰ کیلومتر و از بوشهر ۲۸۵ کیلومتر می باشد اهمیت شیراز از قرن پنجم هجری شروع میشود زیرا که در آن موقع شهر استخر دوبریرانی نهاده و مردمان آن بشیراز مهاجرت کرده اند در دویست سال پیش کریم خان زند آنرا پایتخت خویش قرار داد.

بناهای قدیمی شیراز عبارت است از مسجد جامع عتیق که از دوره صفاریان است و مسجد وکیل و بازار وکیل . مهمترین خیابان تازه شهر خیابان بسیار پهنی موسوم به خیابان زند است .

مزار سعدی در خارج شهر شیراز و بارگاه حافظ نزدیک شهر و قبر خواجه در شمال آن می باشد . شیراز مرکز راههای عمده جنوب ایران است و از طرف شمال باصفهان و از مشرق به یرد و کرمان مربوط میشود .

نزدیکترین بندرهای ایران بشیراز بندر بوشهر است .

انوشیروان و بزرگمهر

یکی از شاهنشاهان بزرگ و نامدار دودمان ساسانیان انوشیروان می باشد که در هزار و چهار صد سال پیش به پادشاهی رسید .
 وقتی انوشیروان پادشاه شد داخله کشور امن و منظم نبود
 انوشیروان نظم و امنیت را دوباره برقرار ساخت و در اصلاح حال
 سپاهیان کوشید . مالیاتها را که بی ترتیب شده بود از نو مرتب ساخت
 در محو ظلم و ستم کوشش بسیار کرد بطوری که ایرانیان او را
 داد گر لقب دادند .

انوشیروان در آسایش مردم و توسعه تجارت و صنعت و پیشرفت
 علوم و صنایع زحمت فراوان کشید ، شهرها و آموزشگاهها و بیمارستان
 ها ساخت و دانشمندان و هنرمندان را تشویق کرد . علاوه بر اینها
 انوشیروان با دولت روم و قبایل وحشی بسیار جنگید و در تمام جنگها
 فاتح گردید و از دولت روم که در آن روزگار یگانه دولت بزرگ عالم
 بود خراج میگرفت انوشیروان وزیری دانشمند داشت که او را بزرگمهر
 یا بوذرجمهر میخوانند . بزرگمهر نیز در انتظام کشور و تشویق
 دانشمندان و رسیدگی بحال مردم بانوشیروان کمک میکرد .

حضرت محمد بن عبدالله (ص) پیغمبر ما در زمان انوشیروان

تولد یافت :

جمع و تفریق

۱- در جمع کردن اعداد بیش از سه رقمی مانند اعداد کمتر از سه رقم باید آنرا چنان زیر هم بنویسیم که رقم های آنها از راست به چپ مرتب در زیر هم باشند و جمع کنیم مثال:

۳۵۲۲۴۸

۲۷۵۳۲

۳۷۹۷۸۰

۲- برای تفریق هم باید عدد کوچکتر را چنان در زیر بزرگتر بنویسیم که رقمهای آنها از راست بچپ در زیر هم باشند و تفریق کنیم

۲۶۳۴۳

۹۷۳۲

۱۶۶۱۱

۲۵۳۱۷

۲۰۳۲

۱۲۹۵۲

۷۰۰۰

۵۱۵۶۳

۹۷۳۹

۱۳۴۲۶

۹۷۰۰

۸۵۳۷۸

۵۶۲۱

مثال: اعداد آینده را با هم جمع کنید

مثال: اعداد آینده را از هم تفریق کنید

پدر و مادر خوب

هادی باغبان خوبی است، درباغ خود درختهای سودمند می‌نشانند، درختها را مواظبت میکند، میگذارد علف‌های خود رو و هرزه اطراف درخت را بگیرد شب و روز یکدم از مراقبت درختان خود غفلت نمیکند، میداند درختی که خوب پرورش یافت میوه شیرین میدهد.

پدر و مادر باغبانند، طفل آنها بمنزله درختی است که باید دائماً مراقبتش کنند. فرزند خوب مایه خوشبختی پدر و مادر است. شما هم بکوشید تا پدر خوبی باشید فرزند خود را خوب تربیب کنید، بغذایش رسیدگی کنید، وقتی زبان باز کرد کوشش کنید تا چیزهای خوب باو یاد بدهید، همینکه چشم و گوشش باز شد و توانست دست‌چپ و راست خود را بشناسد اخلاق و رفتار او را مواظبت کنید. در مقابل او دروغ نگوئید حرکات جلف و رفتار زشت از شما سرنزنند، روح طفل مثل آئینه است هرچه در مقابل آئینه بگذارند فوراً در آن نقش می‌بندد

هیچوقت بچه را ترسانید، ترس برای بچه مثل زهر کشنده است همیشه بکوشید که بچه خود را شجاع و دلیر بار بیاورید، بچه را لوس نکنید، از همان کوچکی او را بتحمل زحمت عادت دهید و طوری رفتار کنید که بتواند خودش را بتنهائی اداره کند، در هفت سالگی بچه را به آموزشگاه بگذارید، در دنیای امروز زندگی برای اشخاص بیسواد مشکل است، اشخاص بیسواد کورند و نگذارید بچه شما کور باشد. چقدر حسرت میخورید که چرا در بچگی شما را به آموزشگاه نکذاشته اند؟ شما کاری نکنید که بچه هایتان مثل شما حسرت بخورند؟

آفات نباتی

گیاه ها هم مثل حیوان و انسان آفتها و رنجوریهای دارند و هما تقسم که بیشتر ناخوشیهای انسان و حیوان از طفیلی ها و میکربها پیدا میشود گیاهها و درختان هم بواسطه دچار شدن طفیلی ها مبتلا بمرض ها و آفتها میشوند ، بعضی از این طفیلیها خودشان هم از جنس گیاه هستند و بعضی دیگر از جنس حیوان میباشند طفیلیهای نباتی بیشتر بشکل پیچک هائی هستند که بشاخ و برگ درختان میوه دار پیچیده کم کم آب درخت را میکشند و نمیگذارند نور آفتاب که شرط اصلی زندگی درختان است به آنها بتابد و بالاخره زود یا دیر آنها را خشک میکنند باید این پیچکها را بواسطه بیل زدن بموقع و کندن علفهای هرزه و خود رو نابود ساخت . شته کرم و بعضی پرنده ها از جمله طفیلی های حیوانی بشمار میروند ، سن که یکی از حیوانات طفیلی گندم است مانند ملخ گاهی سبب قحط و غلا شده است ، بعضی اوقات سیب و گلابی و زرد آلو

و گیلان در یک ناحیه که معمولاً در کمال فراوانی است بواسطه طفیلیها طوری آفت مییند که اثری از آنها نمی ماند برای دفع طفیلیها باید دوا هائیکه سمیت دارد و آنها را میکشد با ترتیبات مخصوصی استعمال کرد ، میوه هائیرا که کرم پیدا میکنند باید هر چه زودتر چیده در جائی جمع کنند و بسوزانند تا اینکه کرمها تخم گذاری نکرده و زیاد نشوند برگها و شاخها و تنه های درختانیرا که شته میگیرند باید با محلولهای ضد عفونی که اشخاص خبره در کار فلاحه تهیه میکنند شست و شوداد

مالیات

حسن وقتی برادرند، در يك خانه زندگی میکنند و هزینه خانه را با هم میدهند. یکبار بر حسب تصادف این دو نفر با هم قهر کردند دیوار خانه احتیاج بتعمیر داشت هیچیک از آنها پول ندادند بتدریج دیوار کج شد اما آنها اعتنائی نکردند. چند روز نگذشت که دیوار خراب شد و نزدیک بود هر دو را زیر بگیرد.

کشور خانه بزرگیست که ملت در آن زندگی میکند. ملت از افراد مرکب شده است و افراد باید هر کدام قسمتی از هزینه اینخانه بزرگرا بدهند. مخارجی که ما برای کشور میدهیم مالیات است.

مالیاترا وزارت مالیه جمع آوری میکند و با اصول مرتب و بسیار دقیقی تحت نظر مجلس شورای ملی با نظارت دیوان محاسبات بمصرف کارهای کشور میرساند.

پولی را که بابت مالیات میدهیم تلف نمیشود از این دست

میدهیم و از دست دیگر چند برابر میگیریم .

شما فرزند خود را مفت و مجانی ب مدرسه میبرید . اگر
مریض داشته باشید به بیمارستان دولتی برده معالجه میکنید ،
در راههای شوسه کشور مسافرت مینمائید . پاسبانها در شهر و
امنیه ها در راه مراقب شما هستند تا کسی بمالتان دست درازی
نکند از پست استفاده میکنید ، با دادن شش شاهی پاکت خودتان
را بهر نقطه که بخواهید میفرستید . خودتان حساب کنید اگر
میخواستید همه این چیزها را با خرج خودتان فراهم کنید
هزینه آن چقدر می شد .

چیزی که هست افراد کشور زیادند هر يك از آنها ببلغ
مختصری میدهند پولهای مختصر وقتی جمع شد زیاد میشد و
بوسیله آن کارهای بزرگ انجام میگردد ، مالیات جزو مخارج
ضروری است . تمام افراد باید قوانین مالیات را بدانند تا
بتوانند مالیات خود را در موقع عین پردازند . زیرا اگر در
پرداخت مالیات تأخیر شود گذشته از اینکه علائق و وظیفه شناسی
است ، اولین دولت بموجب قانون ببلغی بیشتر بعنوان جریمه
دریافت خواهند داشت .

حضرت پیغمبر (ص)

حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر، سالمانان در هزار و چهارصد و نه سال پیش در، که در زمان سلطنت انوشیروان تولد یافت حضرت از خانواده قریش بود و این خانواده پرده داری کعبه یعنی پرستشگاه اعراب را بعهدہ داشتند و باین واسطه در نزد کلیه قبایل عرب شریف و محترم بودند. پیش از آنکه حضرت بسن رشد برسد پدر و مادرش درگذشتند و جدوعم آن حضرت اورا سرپرستی میکردند. حضرت چندبار با کاروانهای تجارتنی از که بشام رفت این سافرتها بر حضرت معلوم ساخت که اعراب چه اندازه از تمدن و انسانیت دور افتاده اند. باینجهت اغلب در اندیشه بود که قوم خود را از نادانی و بت پرستی خلاص سازد در سن ۴۰ سالگی بحضرت ندائی رسید که از جانب خدای یگانه پیغمبری بر گزیده شده است و باید اعراب وحشی را براه راست و رسم زندگانی صحیح بخواند، از آنموقع مردم را بدیانت اسلام و پرستش خدای یگانه دعوت کرد.

البته اعراب که سالیان دراز به پرستش بتها و وحش‌گری
انس گرفته بودند با حضرت بستیزه بر خواستند و مخصوصاً
وقتر جد حضرت رحلت کرد بیشتر به آزار او و پیروانش پرداختند
تا جائی که چند نفریکه مسلمان شده بودند بحبشه گریختند ولی
خود حضرت در مکه ماند و باز بدعوت قبایل عرب بی پرداخت
آخر ارحضرت هم مجبور بخروج از مکه شد و در هزار و سیصد
و پنجاه و شش سال پیش از که بمدینه هجرت فرود، این واقعه
بداء تاریخ مسلمانان است، در مدینه اسلام پیشرفت نمایانی کرد
و عدۀ مسلمانان روز بروز افزوده شد آنگاه حضرت لشگری از
مسلمانان تهیه دید و با قبایل بت پرست شروع بجنگ کرد در
اگر جنگها مسلمانان غالب شدند و قبایل عرب یکو بعد دیگری
اسلام آوردند حتی مکه را که بتخانه اعراب بود فتح کردند و
بتها را بشکستند بطوریکه در سال یازدهم هجرت که حضرت
بدرود زندگانی گفت تمام اهالی عربستان مسلمان شد و بودند

اصفهان و یزد

اصفهان از حیث حاصلخیزی زمین و داشتن آب کافی که زاینده رود بنقاط مختلف آن میرسد همیشه اهمیت داشته و در دوره صفویه عظمتی بسزا یافته است .

زاینده رود از جنوب اصفهان میگذرد و بر روی آن پلهای مهم است که معروفتر از همه پل معروف به سی و سه پل در امتداد خیابان چهارباغ و پل خواجو است .

اصفهان شهر فلاحتی و صنعتی و تجارتنی است . محصولات فلاحتی آن نمونه از تمام محصولات فلاحتی نقاط مختلف کشور ایران میباشد بغیر از جای که منحصر بنقاط شمالی است و خرا که بنقاط جنوب اختصاص دارد .

کارخانه های پارچه بافی اصفهان بسیار مهم است و قسمت عمده پارچه داخلی کشور را تهیه میکند و علاوه بر این کارهای دستی این شهر مخصوصاً ساختن چیت های معروف به قلمکار . اسباب های فلزی مشهور تمام ایران و قسمتی از دنیا است .

جمعیت اصفهان صد هزار نفر است :



شهر یزد در جنوب شرقی اصفهان در ناحیه خشک واقع شده و زمین های آن از آب قنات ها مشروب می شود . این شهر بنا های قدیمی ندارد و اخیراً خیابانها و ساختمان های بطرز جدید در آن بنا شده است ،

فاصله یزد از طهران از راه اصفهان ۷۵۴ کیلو متر است اهمیت این شهر بواسطه قرار داشتن در سر راه کرمان و صرکن بود : آن است : اهالی یزد بیشتر به بازرگانی و کارهای صنعتی مخصوصاً بافتن پارچه های ابریشمی ونخی میپردازند - کراوات های یزد معروف است عده از زرتشتیان در یزد و نواحی کوهستانی در دوره های قدیم پناهنده شده و هنوز هم در آن نقاط بزراعت مشغولند -

جمعیت یزد در حدود شصت هزار است -

ضرب اعداد چند رقمی

برای ضرب دو عدد چند رقمی آنها را در زیر هم نوشته و از طرف راست هر رقم عدد پائین را در تمام رقمهای عدد بالا از راست به چپ ضرب میکنیم و حاصل ضرب را در زیر خط مینویسیم.

پس از آن رقم دوم را بهمان طریق ضرب میکنیم و در زیر حاصل ضرب اول مینویسیم ولی از راست یک رقم رها میکنیم و همچنین رقم سوم و چهارم را.

پس از آن حاصل ضرب های جزئی را که هر یک یک رقم از بالائی عقب تر افتاده اند جمع میکنیم تا حاصل ضرب بدست آید. مثلاً میخواهیم 2854 را در 957 ضرب کنیم ابتدا 7 را ضرب میکنیم تا 9978 بدست آید پس از آن 5 را ضرب میکنیم تا 14270 بدست آید ولی رقم صفر را از زیر هفت مینویسیم بنا بر این عدد 1 در سمت چپ تنها خواهد افتاد پس از آن رقم 9 را ضرب میکنیم تا 25686 بدست آید و 6 را از زیر 7 شروع میکنیم و سه حاصل ضرب جزئی را چنین بایکدیگر جمع مینمائیم تا حاصل ضرب معلوم شود:

$$\begin{array}{r}
 19978 \\
 14270 \\
 \hline
 25686 \\
 \hline
 2731278
 \end{array}$$

آموزگار از خارج ضرب را تعریف کند و طریق ضرب اعداد یک رقمی را بیان نماید

راز تندرستی

یکی از پادشاهان طبیعی حاذق بخدمت مصطفی (ص) فرستاد سالی در دیار عرب بود و کسی تجربه پیش وی نبرد و معالجتی از وی درنخواست پس پیش پیغمبر (ص) آمد و گله کرد که مرا این بنده را برای معالجت اصحاب بخدمت فرستاده اند و در این مدت کسی التفاتی نکرد تا خدمتی که بر بنده معین است بجا آورد رسول (ص) گفت این طایفه را طریقی هست که تا اشتها غالب نشود نخورند و هنوز اشتها باقی باشد که دست از طعام بردارند حکیم گفت این است موجب تندرستی -
زین برسید و برفت .

— شعر —

سرخ آنکه کند حکیم آغاز	یاسر انگشت سوی بقده دراز
که ز ناگفتنش خال زاید	یا ز نا خوردنش بجان آید
لاجرم حکمتش بود گفتار	خوردنش تندرستی آرد بار

(سعدی)

امنیت و پاسبانه‌ها

در اثنای سفر مکرر دیده اید که اتومبیل از مقابل بنائی که در میان بیابان در کنار راه ساخته شده میگذرد، هر قدر اتومبیل تند برود باز هم شما میتوانید ببینید که پرچم سه رنگ ایران بر بالای آن بنا افراشته شده و یکنفر بر در آن ایستاده تفنگ خود را بدست گرفته است، در تمام راههای کشور در هر چند فرسخ یکی از این بناها هست، آنجا پاسگاه امنیه است که چند نفر امنیه در آن هستند و راهها را مواظبت میکنند. راههای کشور بواسطه دقت و مواظبت امنیه چنان امن و بیخطر است که همه کس میتواند با پای پیاده و با داشتن پول و چیزهای گرانبها بدون تشویش در هر راهی سفر کند، اگر احیاناً کسی در راه دستبردی بزند فوراً بوسیله مأمورین امنیه تعقیب شده به جازات میرسد.

هنگام شب وقتی شما بخانه خود برای استراحت میروید پاسبانه‌ها را میبینید که در پاسگاههای خود ایستاده اند یا قدم میزنند

شما بیروید بخواهید اما آنها تازه کار خودشانرا شروع کرده اند آنها تمام شب را بیدار مانده برای آسایش شمارنج میزند، روزها نیز در کوچه و بازار پاسبانها را ببینید که بانجاموظائف خود مشغولند ، وظیفه پاسبانها اینست که هرکس در کوچه و بازار و خیابان برخلاف نظامات ومقررات حرکت و کاری کرد اورا بکلانتری جلب کنند، کلانتری بازجوئیهای مقدماتی را انجام داده پرونده را تنظیم کرده گناهکار را بمحکمه میفرستند .

پاسبانها عهده دار انتظام و آرامش شهرند و آسایش شما نتیجه مراقبت آنهاست .

مشهد

مشهد حاکم‌نشین ایالت خراسان و کشف رود از آن میگذرد. فاصله آن از طهران ۹۱۹ کیلو متر است سابقاً در محل این شهر قریه ای موسوم به سنا باد بوده و در سنه ۲۰۳ هجری که حضرت رضا علیه السلام در آن مدفون شده موسوم به مشهد رضا گردیده و کم کم بروسعت و جمعیت آن افزوده شده است حرم و صحنهای حضرت رضا در زمان صفویه و پس از آن ساخته شده و بناهای جدید آن مربوط به دوره درخشان پهلوی است.

مهمترین بناهای مشهد حرم حضرت رضا است و آن بنائی است بعرض و طول ده متر و ارتفاع گنبد آن ۲۴ متر و سطح خارجی گنبد پوشیده از طلا و کاشی کاری درونی آن از نظر صنعتی بسیار ممتاز است، در اطراف حرم صحنهای متعدد است و در مجاورت آن مسجد گوهر شاد از بناهای دوره گورکانیان است که از مساجد معتبر بشمار میرود.

دبیرستانها و دبستانهای بسیار در مشهد ساخته شده و

بیمارستان معروف شاهرضا از بناهای مفید آنست :

خیابانهای جدید شهر همه از اطراف آن جدا شده و در کنار آنها ساختمانهای جدید زیبا بنا نموده اند .

در چهار فرسخی مشهد قریه طوس است که آرامگاه فردوسی در آن واقع شده . این آرامگاه در جشن هزاره فردوسی در ۱۳۱۳ با امر اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی ساخته شده و گروهی از دانشمندان جهان در هنگام افتتاح آن حضور داشتند اکنون آرامگاه فردوسی که باغ زیبایی در اطراف آن بنا نهاده اند زیارتگاه مردم است .

یعقوب صفاری

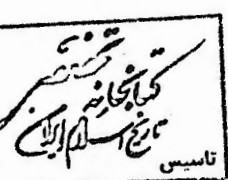
دودمان ساسانیان که بر ایران پادشاهی میکردند مغلوب اعراب شدند و دویست سال کشور ایران حکام عرب اداره میکردند و در این مدت تا ممکن بود آثار ایران قدیم را برانداختند تا جائیکه خط و زبان ایرانیانرا نیز دگرگونه ساختند. حکمرانی اعراب بر ایرانیان غیرتمند خوش نیامد و ایرانیان طالب دولتی بودند که از خودشان باشد نه از بیگانگان. در همین هنگام جوانی یعقوب نام از اهالی سیستان که پدرش رویگر بود بر آن شد که سلطنت ایرانرا از چنگ اعراب بیرو آورد چند نفر را دور خود گرد آورد و بتدریج پیشرفت کرد تا پس از چندی سیستان و خراسان را دستخود ساخت سپس به ایالت فارس تاخت آنجا را نیز از دست حکام عرب بیرون آورده بمازندران روی آورد و این ایالت را نیز بگرفت. خلیفه بغداد که پادشاه کشورهای اسلامی و از نژاد عرب بود از کارهای یعقوب بهراس افتاد ابتداء خواست او را بترساند اما یعقوب که سری پرشور و دلی پر جرأت داشت نرسید

و با خلیفه بجزاك پرداخت و شكست خورد؛ در صدد آن بود که لشگری گرد آورده تلافی این شكست را بکند که ناخوش شد و درگذشت این وقایع در هزار و هفتاد سال پیش رخ داد . یعقوب نخستین کسی بود که بر حکومت اعراب شورید بعد از او سران ایرانی جرأت یافتند و بتدریج تمام کشور را از حکومت اعراب خلاص ساختند . چون پدر یعقوب روی گر بوده و اعراب روی گر را صفار میگویند باینجهت دودمان یعقوب را صفاریان مینامند .

سوزاک

سوزاک یا سوزنک یکی از ناخوشی های مقاربتی است .
 یکی از علامت های سوزاک سوزش زیادی است که در وقت
 ادرار کردن در مجرا احساس میشود گاهی با ادرار خون هم خارج
 میشود علامت دیگر چرکی است که همیشه در مجرا هست و از
 آن خارج شده لکه های مخصوصی روی لباس میگذارد و صبح
 که مریض از خواب بیدار میشود بیش از وقت های دیگر در مجرا
 جمع شده و بیرون ریخته است بعضی اوقات ورم بیضه هم با
 سوزاک همراه میشود که اگر دو طرفی باشد ممکن است شخص
 را عقیم کند و دیگر صاحب اولاد نشود . تنگی مجرا که محتاج
 مدت های زیاد میل زدن و آزار دیدن است ، ورم مفصل سوزاکی ،
 چشم درد سوزاکی و بیماری های دیگر گریبان اشخاص سوزاکی
 را میگیرد . سبب سرایت سوزاک همان چرکی است که از آلت
 تناسل مرد یا زن خارج میشود در راه جارگیری از گرفتار شدن باین
 ناخوشی اول زناشوئی کردن و پرهیزکاری است . دوم اطمینان

پیدا کردن با اینکه از مجرای نزدیکی کننده چرکی خارج نمیشود
سوم ادرار کردن بلا فاصله بعد از نزدیکی تا اینکه اگر چرکی
داخل مجرا شده باشد قبل از اینکه مکررها در آن خانه کنند
و جایگیر شوند با ادرار خارج گردند. چهارم شست و شو کردن
کامل با صابون سوبلمه و اگر موجود نباشد با صابون معمولی
پنجم بمحض احساس سوزش یا دیدن چرک رفتن نزد پزشک
و معالجه کردن تا اتمام مرض و در هر حال پرهیز کردن از غذاهای
تند و چرب و گوشت و منحصر کردن آشامیدنیها بدوغ و آب
میوه جات و راه نرفتن زیاد و بستن بیضه بند و شستن پی در پی
دستها تا اینکه اگر آلوده بچرک شده باشد بچشم خود انسان
یا دیگری بر نخورده سبب چشم درد سخت و گاهی کوری نشود.



ساعت

يك دور حرکت زمین را بدور خورشید يك شبانه روز گویند و آنرا به بیست و چهار قسمت کرده هر قسمت را يك ساعت میگویند. وقت را بوسیله ساعت می‌شناسند ساعت صفحه‌ای دارد که بدوازده قسمت شده و رقم‌های از ۱ تا ۱۲ را دور آن گذاشته اند.

هر ساعت دو عقربه دارد که یکی از آنها بلندتر است و رقیقه شمار نام دارد و دیگری کوتاه‌تر است و ساعت شمار گفته میشود در هنگامیکه عقربه بلندتر یک‌دور می‌چرخد عقربه کوتاه يك شماره تغییر میکند چنانکه دوازده دور عقربه بزرگ برابر يك دوره عقربه کوچک است، در اطراف صفحه ساعت شصت قسمت کوچکست که برای نمایش دقیقه است عقربه کوتاه فاصله میان دو شماره را در يك ساعت و عقربه بلند در ۵ دقیقه می‌پیماید. هر پانزده دقیقه را یک ربع و دو ربع را نیم ساعت و ۴۵ دقیقه را سه ربع میگویند مثلاً بجای دو ساعت و چهل و پنج دقیقه میتوان

گفت د و ساعت و سه ربع یا سه ساعت ربع کم و بجای پنج ساعت و سی دقیقه میتوان گفت پنج ساعت و نیم .

ساعترا باید از روی گردش آفتاب میزان و مرتب کرد و بهترین میزان آن که در تمام کشورها معمولست آنست که در هنگام رسیدن خورشید بوسط آسمان عقربه كوچك و بزرگ را در سر ساعت ۱۲ قرار میدهند و پس ازدوازدهساعت دیگر دوباره عقربه ها در سر ساعت دوازده خواهند بود و آن نیمه شب است و باز پس ازدوازدهساعت که درست بیست و چهار ساعت از ظهر روز پیش گذشته عقربه ها بر یکدیگر نهند .

قرار دادن عقربه های ساعت در هنگام غروب آفتاب بر روی ۱۲ درست نیست زیرا که چون درازی روزها فرق میکنند قدر هم ساعت خوب باشد در غروب آفتاب روز دیگر عقربه ها بر هم قرار نمیگیرند و باید آنها را با دست پس و پیش کرد .

تقسیم

میخواهیم عدد ۸۲۹۶۷ را بر ۳۴۱ تقسیم کنیم ابتداءً چنین

$$\begin{array}{r} 82967 \quad | \quad 341 \\ \hline \end{array}$$

پس از طرف چپ مقسوم باندازه رقمهای مقسوم علیه سه رقم جدا کرده پس از رقم ۹ علامت کوچکی میگذاریم:

$$\begin{array}{r} 82967 \quad | \quad 341 \\ \hline \end{array}$$

از طرف راست مقسوم علیه دو رقم جدا میکنیم تا يك رقم ۳ بماند و پیش از چهار نیز علامت کوچکی قرار میدهیم:

$$\begin{array}{r} 82967 \quad | \quad 341 \\ \hline \end{array}$$

پس ۸ را بر ۳ تقسیم میکنیم و خارج قسمت آن یعنی ۲ را در زیر خط تقسیم نوشته در ۳۴۱ ضرب میکنیم و حاصل ضرب یعنی ۶۸۲ را در زیر ۸۲۹ نوشته و از آن کم میکنیم تا باقیمانده اول یعنی ۱۴۷ بدست

$$\begin{array}{r} 82967 \quad | \quad 341 \\ \hline 682 \quad \quad \quad 2 \\ \hline 147 \end{array}$$

پس از آن رقم چهارم مقسوم یعنی ۶ را پائین آورده در سمت

راست ۱۴۷ قرار میدهم و ۷۶ را از آن گذاشته ۱۴ را دوباره بر ۳ تقسیم میکنیم خارج قسمت ۴ را پس از ۲ قرار داده در ۳۴۱ ضرب میکنیم و حاصل ضرب ۱۳۶۴ را در زیر ۱۴۷۶ نوشته کم میکنیم:

$$\begin{array}{r}
 ۸۲۹۶۷ \overline{) ۳۴۱} \\
 \underline{۶۸۲} \\
 ۱۴۷۶ \\
 \underline{۱۳۶۴} \\
 ۱۱۲۷
 \end{array}$$

باقیمانده دوم ۱۱۲ بدست میآید.

آنگاه رقم آخر مقسوم یعنی ۷ را پائین آورده در راست ۱۱۷ میگذاریم تا ۱۱۲۷ بدست آید و چون دو رقم راستش را جدا کنیم و ۱۱ را بر ۳ تقسیم کنیم خارج قسمت ۳ میشود و حاصل ضرب ۳ در ۳۴۱ عبارتست از ۱۰۲۳ و چون از ۱۱۲۷ کم شود باقیمانده تقسیم ۱۰۴ و خارج قسمت ۲۴۳ خواهد شد شکل کامل تقسیم چنین است:

$$\begin{array}{r}
 ۸۲۹۶۷ \overline{) ۳۴۱} \\
 \underline{۶۸۲} \\
 ۲۴۳
 \end{array}$$

مسئله: عدد ۳۲۱۵۳ را بر ۳۷۵

و عدد ۶۲۳۴۵۶ را بر ۷۸۹

و عدد ۱۲۳۴۵ را بر ۶۷۸ تقسیم کنید: ۱۱۱۷

$$\begin{array}{r}
 ۱۰۳۲ \\
 \hline
 ۱۰۴
 \end{array}$$

۱۰۴

فردوسی

ایران از قدیم شعرای بزرگ داشته است و یکی از بزرگترین شعرای ایران فردوسی است .

ابوالقاسم فردوسی تقریباً در هزار سال پیش در طوس که از شهرهای خراسان بوده زندگی میکرده است ، چون تاریخ ایران قدیم و زبان نرسی بواسطهٔ حملهٔ اعراب نریك بود از میان برود فردوسی که مردی میهن پرست بودیر آن شد که تاریخ کشور خود را بشعر درآورد تا تاریخ ایران و زبان فارسی زنده بماند این شاعرمیهن پرست سی سال تمام در این راه زحمت کشید تا بیش از شصت هزار شعر فارسی بساخت و از این اشعار شیرین داستانهای دلکشی ترتیب داد و با آن داستانها کتابی بزرگ درست کرد و آنرا شاهنامه نام نهاد . کتاب شاهنامه شامل سرگذشت پادشاهان و بزرگان قدیم ایران و ستایش ندادند و نیایش شاهان بزرگ است و فردوسی در ضمن این سرگذشت پیوسته مردم را به خدا پرستی و شاه دوستی و میهن پرستی و راستگوئی و دلیری خوانده است .

فردوسی در ضمن ساختن شاهنامه بعراق و خوزستان و
بنداد و اصفهان مسافرت کرد سپس بطوس باز گشت وقتی
کتاب شاهنامه را تمام کرد پیر و تهی دست شده بود ناچار آن
را بدربار سلطان محمود غزنوی که پادشاه بزرگ آن زمان
بود برد که جایزه بزرگی بگیرد. اما سلطان چنانکه باید و شاید
این سخن سرای بزرگ را کامیاب نساخت و فقط بیست هزار
درم بوی جایزه داد فردوسی آزرده خاطر گشت و این جایزه
را بفقرا بخشید و بهرات و از آنجا بمازندران رفت و پس از
چندی بطوس برگشت، گویند سلطان محمود از رفتار خود
پشیمان شد و فردوسی را باز نزد خود خواست ولی وقتی پیغام
او بطوس رسید که شاعر بزرگوار بدرود زندگانی گفته بود
و او را در طوس بخاک سپرده بودند.

مشکواری

تمام مردم خانه پاکیزه و منظم و زیبارا دوست دارند . اشخاص باسلیقه و عاقل همیشه میگوشتند تا خانه خویش را پاکیزه نگاهدارند در و دیوار آن را آرایش دهند هنگام شب اطاقهای آنرا روشن نگاهدارند وضع خوراك اهل خانه را منظم کنند تا هر چیز باندازه و بدوق در خانه حاضر باشد

شهر ما خانه بزرگی است که عده زیادی مردم در آن زندگی میکنند برای پاکیزگی و زیبایی این خانه بزرگ و منظم بودن آب و روشنائی و ارزاق آن مراقبت و دقت لازمست این کار بعهده شهرداری است ، شهرداری مؤسسه ایست که در کار روشنائی و آب و ارزاق شهر نظارت میکند شهر را پاکیزه نگاه میدارد بوسیله ساختن بنا ها و خیابانها تازه هر روز شهر ما را آرایش تازه میدهد

کارهای شهرداری تحت نظر انجمن شهرداری اداره میشود انجمن شهرداری مرکب است از عده اشخاص سر شناس که

از طرف مردم انتخاب شده اند
مخارج شهرداری را مردم شهر میدهند و عه ارض مخصوصی
بنام شهرداری دریافت میشود.

شهرداری گذشته از مراقبت در نظافت و روشنائی و آب
شهر اقدامات دیگری برای آسایش مردم شهر میکند مؤسسهائی
برای بینوایان و بیچارگان و ناتوانان بوجود می آورد، یتیمخانه
و مسکین خانه و تیمارستان از مؤسسات خوب و سودمند شهرداری
طهران است که در آنجا یتیمان و بیچارگان و دیوانگان را
نگاهداری میکنند البته هر قدر مردم بیشتر کمک کنند و هر
چه در آمد شهرداری بیشتر شود کارهای آن بیشتر و سودمند
شده در تمام شهرها مؤسسات لازم را بوجود خواهد آورد.

مقیاسهای رسمی

مقیاس یعنی اندازه‌ای که چیزهای اندازه گرفته‌نی را با آن می‌سنجند و برای چیزهای مختلف مقیاس‌های مختلف لازم است، مقیاس طول متر است هر متر مساوی ده دسیمتر و هر دسیمتر مساوی ده سانتیمتر و هر سانتیمتر مساوی ده میلی‌متر است. پس یک متر مساوی ۱۰۰ سانتیمتر و هزار میلی‌متر است. قد انسان متوسط ۱٫۶۸ متر است.

برای لباس مردانه ۲۵ متر پارچه لازم است.

طول درهای اطاق ۲ متر است

فاصله کتاب از چشم خواننده باید ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر باشد. هر هزار متر را یک کیلو متر می‌گویند و هر شش کیلو متر یک فرسخ است

در راه‌های شوسه دولتی در سر هر هزار متر سنگی قرار داده اند که بروی آن فاصله آن نقطه از دو شهر نزدیک معلوم شده است.

مقیاس سطح متر مربع است و آن چهار گوشه است که

هر پهلوی آن یک متر باشد . سطح خانه ها را با متر مربع
 اندازه میگیرند مثلا خانه ای که درازی آن ۷ و پهنای آن ۱۵
 متر باشد ۱۰۵ متر مساحت دارد و اگر قیمت آن متری
 ۱۰۰ ریال باشد قیمت تمام آن ۱۰۵۰۰ ریال خواهد بود
 سطح کشور را با کیلومتر مربع اندازه میگیرند و آن چهار
 گوشه است که هر پهلوی آن هزار متر باشد . یک کیلومتر
 مربع مساوی یک ملیون متر مربع است .
 اگر این عدد را داشته باشیم ۲۷۳۴۸۹۳ که واحدش متر
 مربع باشد چنین خوانده میشود دو متر و ۷۳ دسیمتر و ۴۸
 سانتیمتر و ۹۳ میلیمتر مربع .

بهر خزر

در شمال ایران دریائی بزرك بنام دریای خزر وجود دارد که در ساحل آن گرگان و مازندران و گیلان واقع شده است گرگان دشت وسیعی است که پیشتر مسکن طوایف چادر نشین بوده و اکنون تمام اهالی آن بزراعت پرداخته اند مرکز آن شهر گرگان و بندر آن بندر شاه است که راه آهن سرتاسر ایران از آن شروع میشود

مازندران ناحیه وسیعی است که از طرف شمال متصل به دریای خزر و از جنوب محدود بکوههای البرز است و قسمتی از دره های مرتفع البرز نیز جزو این ناحیه محسوب میشود قسمت بزرك این ایالت را جنگلهای انبوه قرار گرفته و بارندگیها و رطوبت کافی موجب حاصلخیزی آگشته است مرکز آن شهر ساری و شهر معتبرش بابل در کنار رودی بهمین نام است بندر نو شهر که دارای محلی برای خالی کردن بار کشتیهاست در کنار دریای خزر در ناحیه بسیار خرم بنا شده و بواسطه جاده مخصوصی بطهران مر بوط میشود

در مغرب مازندران ناحیه وسیع و حاصلخیز گیلان واقع شده که
مرکز آن شهر رشت و بندر مهمش بندر پهلوی است که بناهای
بسیار قشنگ دارد .

محصولات مهم سه ایالت شمالی ایران برنج و پنبه و ابریشم
و مرکبات و چوب است و کارخانجات مهم نساجی و حریر بافی
و کیسه بافی و تهیه سیگار در آنها دایر است .

صید ماهی در تمام رود های شمالی و سواحل دریای خزر
معمول و مراکز تهیه ماهی و محصولات آن در پهلوی و
مشهد سر و بعضی بنادر دیگر است .

آبله و ونفتری

آبله یکی از ناخوشیهای خطرناکست و در زمان قدیم سبب مرگ و کوری و زشتی بسیاری از مردم میشد خوشبختانه حالا کمتر دیده میشود زیرا آبله کوبی معمول شده، هرکسی باید در ابتدای عمر هر سال یکمرتبه آبله بکوبد، بقدری این کار آسان است که جز صرف چند دقیقه وقت هیچ چیز لازم ندارد، اگر در کودکی آبله غفلت کنیم دچار آبله میشویم و نانه های آبله تمام تن و سر و صورت و چشم و دهان و بینی ما را میگیرد از تب و روزها و شبها میسوزیم و درد میکشیم و اگر اتفاقاً نمردیم آبله رو و بد ترکیب میشویم ممکن است آبله چشم را کور کند چنانچه خیلی از کورها را می بینیم که از آبله نابینا شده اند وقتی به آبله دچار شدیم برای دیگران هم خطرناک هستیم زیرا آبله یک ناخوشی مسری است یک ناخوشی مسری دیگر هم که مثل آبله بچهارا بیشتر از بزرگها مبتلا میکند دیفتری است که خنای هم گفته اند میکوب آن از اشخاص دیگر بگاو

انسان سرایت میکند و پرده های سفید خاکستری رنگ روی زبان کِرچک و لوزه ها کشیده میشود و کم کم راه گلو را بکلی میگیرد و هر قدر هم آنها را پاک کنند دوباره زود درست میشود گاهی هم توی حنجره پیدا شده راه نفس را بزودی میگیرد و علاوه بر تب و عارضه های دیگر اگر جلوگیری نشود خیلی بسرعت اسباب مرگ میشود این ناخوشی هم که مثل آبله پیشترها فراوان بود و مردم را زیاد میکشت از وقتی که سرم آنرا پیدا کرده اند و بهر که دیفتری گرفته تزریق میکنند کمتر شده و خطری ندارد لازم است بمحض اینکه کسی مبتلا بگلو درد شد و توی گلو سفیدیهای دیده شد بدون درنگ سرم از آنستیتو پاستور یا از اداره بهداشتی یا از دو اسازها بدست آورده نزد طبیب برود تا طبیب سرم را باو تزریق کند البته اینکار باید چندین مرتبه تکرار بشود و پزشک هر اندازه لازم باشد سرم استعمال خواهد کرد.



اگر سیمهای فلزی رو پوشیده ای در نزدیک آهن ربائی
تند حرکت کنند در آن سیمها توه ای پیدا میشود که آنرا برق
میگویند ماشینهای آیرا که برای پیدایش برق ساخته شده ماشین
برق میگویند و گردش این ماشینها برای بدست آوردن برق بواسطه
بخار یا نفت و بنزین یا فشار آب است . قوه برق باید از دو
سیم بگذرد که هر یک از آن دو سیم بیک سرسیمهای رو پوشیده
ماشین پیوسته است و اگر سرسیمها را از خارج بهم نزدیک کنیم
جرقه ای میزند و اگر قوه برق زیاد و از ماشینهای بزرگ باشد
دست زدن به آن خطرناک و کشنده است .

چون قوه برق از سیمهای نازک گذر نماید آنها را گرم و سرخ
کرده آب میکند اما اگر سیمهای نازک را در شیشه هائیکه هوا
ندارد بگذارند سرخ و روشن میشود ولی نمیسوزد . این
جبابهای بی هوا را که دارای رشته سیم نازکی است چراغ برق
گویند و هر چه سیم آنها درازتر باشد قوه برق را بیشتر گرفته

روشنائی آن بیشتر است مثلاً درازی سیم درونی يك چراغ
۲۰ شمعی کمتر از چراغ صد شمعی است. قوه برق را میتوان
برای بکار انداختن ماشینها بکار برد، چنانکه در بسیاری کارخانه
های کنونی يك ماشین بزرگ برقی است که ماشینهای کوچک
هر دستگاه را بکار میآندازد.

آتش زدن بنزین و نفت در اتومبیل و هواپیما با برق است
یعنی در هر يك از آنها ماشین برق کوچکی است که فاصله بفاصله
جریان را بشمع رانده و جرقه میزند و نفت و بنزین آتش میگیرد.
تلفن و تلگراف نیز با قوه برق کار میکنند و لی يك سیم
دارد و بجای سیم دوم زمین را بکار میبرد.

زنك اخبار نیز با برق کار میکنند و لی قوه برق آنها بواسطه
اسبابهایی موسوم به پیل یا قوه است و پیلهای کوچکی هم
میسازند که در چراغهای جیبی بکار میروند ولی دوام آنها بسیار
کم است و باید زود بزود عوض شود. تلگراف و تلفن بیسیم هم
با برق کار میکنند یعنی در دستگاههای فرستنده جرقه های
مخصوصی تولید شده در هوا موجهای درست میکند که آنها را موج
بیسیم گویند و هر جا دستگاه گیرنده یافت شود آن موجها را گرفته و
در چراغهای مخصوصی قوی تر نموده تبدیل به صدا و حرف مینماید.

عدد اعشاری

عدد اعشاری عددی است که اضافه بر قسمت‌های صحیح چند جزء از يك واحد را نیز دارا باشد مثلاً اگر بنخواهیم چهارده ریال و شصت و پنج دینار بنویسیم چنین نوشته میشود ۱۴ر۶۵

علامت کوچکی که ۶۵ را از ۱۴ جدا میکند ممیز گویند. نوشتن و خواندن عدد اعشاری تا ممیز مانند اعداد صحیح است و از ممیز بعد اگر فقط يك رقم باشد آنرا خوانده پس از آن لفظ دهم را می گویند مثلاً ۱۴ر۶ خوانده میشود چهارده و شش دهم و اگر بعد از ممیز دو رقم باشد آنها را مانند عدد صحیح خوانده پس از آن لفظ صدم را می گویند چنانکه ۱۴ر۶۵ خوانده میشود چهارده و شصت و پنج صدم و همچنین اگر سه رقم باشد لفظ هزارم گفته میشود. این عدد ۱۴ر۶۵۷ چهارده و ششصد و پنجاه و هفت هزارم خوانده میشود ۱۴ر۶۵۷۸ چهارده و شش هزار و یانصد و هفتاد و هشت ده هزارم

بهمین طریق هر رقمی که از سمت راست ارقام اعشار اضافه شود صد هزارم و میلیونیم گفته میشود

صفر در سمت راست و آخر رقمهای اعشار خوانده نمیشود. مثلاً

۲ر۷۵۰ خوانده میشود دو و هفتاد و پنج صدم

تمرین - اعداد اعشاری آینده را بخوانید.

۱۳ر۵۷ - ۲۹۳ر۰۰۰۵۴ - ۲۱۴ر۲ - ۱۵۵ر۹۸۰۱

۱۸۵۲ر۹۰۸ - ۱۳۷۰۱ - ۱۰۴۰۱ - ۱۲ر۰۷ - ۰ر۳۷۵

۲۱۵ر۱ - ۳۰۱۲ - ۱۲۰ر۷ - ۱۲۱۵ر

قانون

دولت برای نظم کشور و پیشرفت ملت و آسایش مردم زمینه
 انون را بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند، مجلس پیشنهادات
 دولت را بررسی کرده تمام آنرا ماده بماده با احتیاجات کشور و
 زندگانی مردم تطبیق میکند و در باره آن رأی میدهد، گفتگو
 های مجلس همیشه در روزنامه ها چاپ میشود و اشخاص باسواد
 میتوانند آنرا بخوانند. وقتی مجلس رأی خود را داد میگویند
 قانون در مجلس تصویب شده است، قانون نهائی که در مجلس
 تصویب میشود باعضای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میرسد
 و پس از آن اجرا میشود.

قانون نهائی که تاکنون در مجلس تصویب شده خیلی زیاد است
 یکی از قوانین مهم و عمده که همه کس باید از آن با خبر باشد
 قانون مدنی است، قانون مدنی اساس زندگانی مردم و طریق
 دادوستد و بسیاری چیزهای دیگر را معین میکند قسمت مهم قانون
 مدنی را از قفه اسلامی گرفته و با عباراتی ساده بفارسی نوشته اند

که همه کس بتواند آنرا بخواند و بفهمد. بعد از قانون مدنی قانون مجازات عمومی از قوانین عمده است، در این قانون کارها تیرا که جرم است و همه کس باید از آن پرهیزد با مجازات آنها معین کرده اند، تا مردم تکلیف خود را بدانند.

بغیر از اینها قوانین دیگری از مجلس گذشته که مهمترین آنها قانون سجل احوال، قانون نظام وظیفه، قانون ثبت اسناد و املاک و بسیاری قوانین مفید دیگر است.

افراد باید قوانین کشور خود را بدانند تا بتوانند در سایه قانون حقوق خود را حفظ کنند و ندانسته بر حقوق دیگران تجاوز نکنند، آنگاه که قوانین کشور را نمیدانند چون کورانی هستند که بدون رهنما در راهی پر خطر در میان سنگلاخها قدم میزنند خیلی مشکل است که از آنمیان سالم و بیخطر بگذرند.

یکی از فوائد سواد اینست که ما را با قوانین کشور آشنا میکند.

خواجه نظام الملک و عمر خیام

در نهمصد سال پیش دودمان سلجوقی در ایران پادشاهی میکردند ، یکی از پادشاهان بزرگ این دودمان جلال الدین ملکشاه میباشد که در توسعه حدود کشور و آسایش مردم و قدردانی از دانشمندان بسیار کوشید .

جلال الدین ملکشاه وزیری داشت بنام خواجه نظام الملک که از اهل طوس و مردی دانشمند و کاردان بود ، خواجه نظام الملک در آبادی کشور و توسعه دانش کوشش کرد ، در چند شهر مدرسه ساخت که یکی از آنها مدرسه نظامیه بغداد بود ، در زمان وزارت این وزیر اهل ایران با آسایش و سرافرازی میزیستند و تمام کشور امن بود ، اما آخر کار ملکشاه خواجه نظام الملک را پس از سی سال وزارت معزول ساخت ، چیزی نگذشت که خواجه نظام الملک را دشمنانش کشتند و ملکشاه نیز بفاصله کمی از جهان برفت و روزگار دولت سلجوقی آشفته گردید ، دیگر از دانشمندانی که در دربار جلال الدین تقرب داشتند عمر خیام

نیشابوری است که از شعرا و بزرگان عالیهقدر نهصد سال پیش ایران میباشد، خیام در علوم گوناگون دست داشته و اشعاری سروده که معروف بر باعیات خیام است، کتابها و رباعیات خیام را مردم فرنگستان بزبانهای خود در آورده اند و دانشمندان فرنگ از آن کتابها بهره ها برده اند.

عمر خیام از دوستان خواجه نظام الملک بوده و ملکشاه بوی احترام میگذارده است چنانکه خیام با امر ملکشاه ترتیب سال و ماه را مرتب ساخت و از روی آن تقویم نوشته شد.

قبر خیام را در باغی بزرگ نزدیک شهر نیشابور قرار داد چند سال پیش باغ مقبره خیام را تعمیر و از نو گلکاری و درختکاری کردند و آرامگاه سنگی برای او ساختند که حالا زیارتگاه مردم است.

نگاهداری حیوانات

زندگی حیوانات هم مانند انسان باید مطابق دستور های معین انجام یابد تا تندرستی آنها پایدار مانده بچه هایشان خوب پرورش یابند بعلاوه بیماریهای آنها سبب ناخوشی انسان نشود، در باب خوراك حیوانات باید رعایت پاک و تمیزی آنرا کرده و نگذارند مخلوط با خاک و شن و ریگ و کثافات باشد آبی که حیوان میآشامد باید پاک و زلال بوده آلوده بگل و لجن و بد بو نباشد ظرفی که در آن خوراك یا آب میریزند و همچنین آخور لازم است همیشه نظیف باشد جای حیوان باید نه زیاد گرم باشد و نه زیاد سرد و پنجره هایی برای داخل شدن هوا و نور آفتاب و روشنائی داشته باشد مخصوصاً وقت خواب باید زیر حیوان پوشال پاک و نرم و خشکی پهن کنند نگاهداری مرغها و پرند ه ها نیز باید طبق همین شرایط و دستورات بعمل آید و آنها را برای گردش در جا ها ئی رها کنند که کثافتی وجود نداشته باشد هر جا ناخوشیهای حیوانی مثل گاو میری و خون شاش و مشمشه و غیره بروز کند حیوان ناخوش را جدا نگاهداشته نگذارند با سالمها زیست کند و مایه های مخصوصی که دام پزشکان میدانند تزریق کنند

مخاطرات زقوه برق

سیمهائی که قوه برق از آنها میگذرد باید روی پوشیده باشد و پوشش روی آنها از چیز هائی باشد که برق از آنها نگذرد مانند ابریشم و رزین و نخهای قیر اندود . هر چه قوه برق بیشتر باشد باید پوششها بیشتر و کلفت تر باشد و اگر سیم را بخواهند بداخل خانه و اطاق بیاورند هیچگاه نباید برهنه باشد زیرا که قوه داخل دیوار و زمین گشته خطرناک خواهد شد .

اگر کسی بسیم برهنه دست بزند جریان بدنش وصل شده پیهائی او را خشک و ماهیچه ها را از کار میاندازد و دل و شش از کار افتاده موجب مرگ میشود و هر قدر رطوبت دست بیشتر باشد خطر بیشتر است هیچگاه نباید سیمهائی برق پاره شده دست زد اگر سیمی پاره شود باید بکسانی که اسباب کار دارند رجوع کرد تا سیمها را با گازهای مخصوص بهم ببندند چیز هائی را که برق از آنها زود میگذرد هادی برق میگویند مانند فلزها و چیزهای نمناک و مرطوب

چیز هائیکه برق از آنها رد نمیشود عایق نامیده میشوند مانند شیشه و رزین و ابریشم و چوب خشک ولی باید دانست که شرط عمده عایق بودن آنست که تمام آن چیزها خشک باشند و اگر رطوبت داشته باشند هادی خواهند بود

شکم پرپی

چه آوردم از بصره دانی عجب
حدیثی که شیرین تر است از رطب
تنی چند در خرقة راستان
گذشتیم بر طرف خرماستان
یکی در میان معده انبار بود
ز پر خواری خویش پر خوار بود
میان بست مسکین و شد بر درخت
وز آنجا بگردن در افتاد سخت
رئیس ده آمد که اینرا که کشت
بگفتم مزن بانک بر ما درشت
شکم دامن اندر کشیدش ز شاخ
بود تنگدل رودکان فراخ

سعدی

همسایه خوب

تو کز عنبت دیگران بی غمی
 نشاید که نامت نهند آدمی
 چند هفته پیش يك اتومبیل باری از جلو خانه ما گذشت
 در حال عبور يك پیچ از اتومبیل افتاده، شوfer را صدا زدیم
 که پیچ را بردارد ولی او نشنید و براه خود رفت یکنفر آنجا
 بود خندید و گفت يك پیچ کوچک در اتومبیل باین بزرگی
 چه تاثیر دارد؟

روز بعد روز نامه ها خبر دادند که يك اتومبیل باری
 بزرگ در راه مانده و شوfer آن از سرما سیاه شده است ،
 وقتی باز جوئی کردیم معلوم شد خرابی اتومبیل بواسطه همان
 پیچ کوچک بوده است !

مردمی که در اطراف ما زندگی میکنند بمنزله پیچ و مهره
 های يك ماشین بزرگ هستند ، تمام آنها در زندگی ما تاثیر
 دارند ، آسایش و خوشبختی ما نتیجه کار و کوشش آنها است
 ما نیز باید بنوبه خود برای آسایش و خوشبختی آنها بکوشیم
 همسایگان ما از دیگران بما نزدیکترند ، باید مراقب

باشیم که باندازه قدرت خود به آسایش آنها کمک کنیم ،
هیچوقت اسباب زحمتشان نشویم ، اگر یکی از آنها درمانده
و بیچاره شد برای دستگیری و کمک او کوشش کنیم اگر مریض
شدند و دسترس به پزشک نداشتند برایشان پزشک بیاوریم .
اطفال یتیم همسایه مثل اطفال ماهستند ، يك تصادف بد سایه
پدر را از سر آنها کم کرده است ، ما باید درباره آنها وظیفه پدری
و خورشاوندی را ادا کنیم .

ما که انتظار داریم دیگران بانزدیکان ما خوبی کنند باید
تا میتوانیم با دیگران خوبی کنیم ، زیرا خوبی دانه ایست که
میروید و ثمر میدهد ؛

سخن چینی

میان دو کس جنک چون آتش است
سخن چین بدبخت هیزم کش است
سخن چین کند تازه جنک قدیم
به خشم آورد نیکمرد سلیم
از آن همنشین تا توانی گریز
که مر فتنه خفته را گفت خیز
کسی قول دشمن نیارد به دوست
جز آنکس که در دشمنی یار اوست
کسانی که پیغام دشمن برند
زدشمن همانا که دشمن ترند
نیارست دشمن جفا گفتنم
چنان کز شنیدن بلرزد تنم
تو دشمن تری کاوری بر زبان
که دشمن چنین گفت اندر نهان

شهر انجاری

بزرگی را شنیدم که روزی با تنی چند از نزدیکان بشکار رفت و بهر سو در گردش و تکاپو بود ناگاه گذارش به بیدستانی افتاد در زیر درختی دیوانه نشسته بود آن بزرگ برای تفریح نزد دیوانه رفت و با وی سخن آغاز کرد پرسشهایی نیکو و مناسب شنید او را از ظرافت طبع و سخن گفتن دیوانه خوش آمد بفرمود تا خادمان و چاکران بساط طرب بگستر دهند و طعام و شراب حاضر آوردند، جامی بنوشید و جامی بدست خود بدیوانه داد دیوانه جام شراب را بگرفت و روی بوی کرد و گفت تو که دعوی خرد و دانش میکنی و مرا دیوانه میخوانی شراب مینوشی تا مانند من شوی من بنوشم تا مانند که بشوم . سخنان دیوانه چنان در وی مؤثر افتاد و شرمگینش ساخت که مدتی مبهوت و خاموش بماند صورت دیوانه را ببوسید شیشه شراب را بشکست و از آن پس دیگر شراب نخورد و گرد زشتکاری نگردید

تبریز

مرکز آذربایجان شرقی شهر تبریز در مشرق دریایچه رضائیه واقع شده است.

مرکز تبریز میدان بزرگ شاهپور است که خیابان بزرگ پهلوی بطول ۹ کیلومتر از مشرق بمغرب آنرا قطع میکند و خیابان شاهپور از شمال بجنوب بر آن خیابان عمود است.

تبریز شهر تجارته و صنعتی است و جمعیت آن قریب دویست و چهل هزار نفر است این شهر اگر چه بسیار قدیمی است ولی بواسطه زیادی زلزله ساختمانهای کهنه ندارد و اگر بنائی هم بوده بواسطه زلزله خراب شده و فقط آثار کمی از آن باقیمانده است مانند مسجد جهانشاه یا مسجد کبود که یکی از آثار مهم صنعتی محسوب میشود

کارخانه های معتبر آن کبریت سازی و چرم سازی و صابون سازی است و تجارت آن بسیار مهم و مخصوصاً تجارت قالی آن زیاد است تبریز بواسطه راه آهنی بطول ۱۳۰ کیلومتر بجلفا در کنار رود ارس مربوط میشود.

فاصله تبریز از اردبیل ۲۱۱ کیلومتر از طبران ۴۹۱ کیلومتر

و از زنجان ۳۰۳ کیلومتر است

تب و نوبه

مالاریا با تب و نوبه علاوه بر تب و لرز و سردرد و بی اشتهائی و ضعف که ممکن است از چند روز تا چند ماه طول بکشد سبب ورم مپرز و جگر و قلوه و استسقا یا آب آوردن شکم و بالاخره مرگ میشود، مالاریا نیز مثل خیلی از بیماریها بواسطهٔ جانورهای ریز ذره بینی که از راه نیش پشه داخل خون انسان میشوند بروز میکند و بهمین جهت است که هر جار طوبت و آب را کدیاصرداب زیاد است یا برنج کاری میشود و پشه در آن آبها تخم میگذارد تب و نوبه یا مالاریا فراوان است، اما باید دانست که نیش همه پشهها سبب مالاریا نشده بلکه یکنوع پشه مخصوصی است که سبب نوبه های یک در میان و سه یک و غیره میگردد باین ترتیب که ماده های این پشه خون یک آدم تب و لرزی را میمکد و جانورهای ریزیکه در خون اوست داخل بدن پشه میشوند بعد از چندی این پشه یک آدم سالم را میگذرد و همان جانورها را بانیش خود داخل خون او میکند بدینسانکه این جانورها در خون این آدم سالم شناور شدند و شروع به نمو و رشد و بچه گذاری کردند

اورا هم مالاریا را کرده و کم کم یکنفر تب و نوبه ای هزارها اشخاص
 دیگر را هم مبتلا خواهد کرد اگر بخوابیم از انتشار مالاریا
 جلوگیری کنیم باید جاهائیکه آب در گودالهایی جمع میشود
 زمین را خشک کنیم که با تلاق تشکیل ندهد در حوضها و استخر
 ماهم ماهی قرمز بریزیم که تخم و کرمهای پشه را بخورند و در
 جاهائیکه ممکن باشد نفت روی آب بریزیم تا آنها را بکشد و
 در صورت امکان برنج کاری را بکشت دیگر تبدیل کنند در
 جاهائیکه تب و نوبه هست حتماً باید شب در پشه بند بخوابیم
 زیرا پشه بیشتر شب میگذرد و بهتر آنست روی بلندیها خوابید
 برای اینکه پشه بجای بلند کمتر پرواز میکند جلوی پنجره
 های اطاق را تور فلزی باید کوبید که پشه داخل نشود خوبست
 قبل از خواب درها را بسته امشی یا مایع دیگری که حشرات را
 میکشد در اطاق پاشیده و بعد از ساعتی درها را باز کنند و پنجره
 فلزی بسته باشد و آوی تب و نوبه گنه گنه است که باید در موقع
 ناخوشی با اجازه طبیب استعمال شود و اگر دست رسی به پزشک
 نباشد بدو آب یک مسهل خورده و بعد روزی سه یا چهار نخود گنه گنه
 در دو مرتبه قبل از غذا بخورند و جاهائیکه مالاریا زیاد است برای پیشگیری
 روزی دو نخود باید خورد به بچه ها ربع یا نصف میزانیکه ذکر شده باید داد

محاکم عدلیه

اگر کسی بشما تعدی کرد یا مالتان را بردویا زحمت و جسارتی بشما وارد آورد باید برای داد خواهی و جلو گیری از تجاوز او بمحاکم عدلیه مراجعه کنید عدلیه یکی از مؤسسات خوب و سودمند دولتی است که بشکایتها و اختلافات حقوقی اشخاص رسیدگی میکند؛ محکمه جایی است که یک یا چند نفر قاضی با عده کافی اعضای دفتری در آنجا برای رسیدگی بدعاوی مردم کار میکنند. قاضی کسی است که مدتی از عمر خود را بخواندن و یاد گرفتن قانون گذرانیده و میتواند شکایتها و ادعاهای مردم را با قوانین کشور تطبیق کرده تعیین کند که حق با کیست .

مراجعه به محکمه بوسیله وکیل صورت میگیرد؛ وکیل عدلیه کسی است که قانونها و نظامنامه های کشور را میداند و میتواند در پیشگاه محکمه از حق قانونی دیگران دفاع کند .

وقتی کسی بحقوق شما تجاوز کرد یکنفر وکیل خوب که به امانت معروف باشد از طرف خود معین میکنید وکیل اسناد و مدارک

شمارا گرفته عرض حال بمحکمه میدهد محکمه با حضور طرف شما با وکیل او قضیه را باز جوئی میکند ؛ پس از آن قاضی محکمه با بررسی در اطراف قضیه طبق قانون کشور بحق داشتن یکی از شما رأی میدهد حکم محکمه پس از چند روز قطعی میشود ، چنانچه اعتراضی یا شکایتی بحکم محکمه داشته باشید محکمه عالیتری هست که بشکایت شما رسیدگی کرده در باره آن باز جوئی میکند ، چنانچه در ظرف مدت معین اعتراض و شکایتی بمحکمه بالاتر ندادید حکم قطعی شده و بموقع اجرا گذاشته میشود . در هر حال محکمه کار شما را یکسره میکند اگر حقی دارید حق شما را میگیرد و اگر حقی ندارید خاطر شما را آسوده میکند که بیهوده با مردم کشمکش نکنید .

سعدی

یکی از شعرا و سخنوران نامدار ایران شیخ سعدی است که هفتصد و چهل و هشت سال پیش در شیراز تولد یافته است پدر شیخ سعدی از علمای بود. سعدی از آغاز جوانی هوش سرشاری داشت پادشاه فارس که اتابک سعد نامیده میشد سعدی را برای تکمیل تحصیلات بغداد فرستاد. شیخ سعدی در خدمت استادان بزرگ علوم و دانشهای مختلف بیاموخت و بشیراز بازگشت. در همین اوقات تاخت و تاز مغول در ایران آغاز شده بود سعدی نتوانست میهن خود را دچار فتنه و آشوب به بیند ناچار با دلی پر درد از ایران سفر کرد و بکشورهای بیگانه رفت و بنای جهانگردی را گذاشت. در مسافرتهای خود همواره با اهل دانش معاشرت و رفت و آمد مینمود و میتوان گفت تمام را در خط تحصیل دانش و تجربه بود. پس از سالها جهانگردی وقتی شنید فتنه و آشوب در ایران تمام شده بمیهن خود بازگشت و از اینگه کشور را امن و آسوده یافت بسی شادمان گردید آنگاه بنوشتن دو کتاب بزرگ

که حاصل تجربه ها و اطلاعات اوست پرداخت یکی کتاب
گلستان میباشد که دارای حکایات شیرین و دلکش و عباراتی ساده و
پرمعنی است و بر تمام ایرانیان لازم است این کتاب را بدقت بخوانند
و از پندهای گرانبها و سخنان شیرین آن بهره بگیرند . دیگر
کتاب بوستان که تمام آرزوهای بشر نوشته شده است سعدی قریب
نود سال عمر کرد و در شصت و شصت سال پیش وفات نمود
آرامگاه او اکنون در شیراز زیارتگاه مردم است .

وقت طلاست

دیروز در نزدیکی خانه ، ما یکنفر بر سر چاهی ایستاده بود
و يك مشت پول از جیب خود بیرون آورده یکی یکی بیچاره
میربخت و میخندید .

بیچاره دیوانه .

واقعا هم کسی که پول خود را بیهوده تلف میکند دیوانه
است ، اما کسیکه وقت خود را تلف میکند از او هم دیوانه تر است
وقت از پول گرانبهارتر است با صرف وقت میتوان پول بدست
آورد اما اگر طلاهای دنیا مال ما باشد نمیتوانیم با آن یگدقیقه
وقت بدست بیاوریم .

وقت یعنی زندگی ، ما بجز وقت در زندگی سرمایه ای نداریم
تلف کردن وقت یعنی تلف کردن زندگی . این روزها و شبها
که پشت سر هم میگذرد قطعات زندگی ماست هر روز که میگذرد
يك قطعه از زندگی ما جدا شده در گرداب نیستی میافتد و ما
یکقدم بقبر نزدیکتر میشویم .

بنابر این باید قدر زندگی را بدانیم و وقت خود را بیهوده

تلف نکنیم، یک قسمت از وقت ما بکارهای روزانه میگذرد قسمتی دیگر را برای خواب و خوراک صرف میکنیم در هر شبانه روز چند ساعت وقت زیادی داریم که آنرا باقسام مختلف تلف می-کنیم بعضی اشخاص از روی غفلت این ساعات گرانبها را بکارهای زیان آور صرف میکنند با رفقای بد آمیزش میکنند بجا های نامناسب میروند و بسا میشود حاصل کار روزانه خود را هم از دست میدهند

شما بقدر کافی هوشیار هستید و میدانید که نباید یکدقیقه وقت خود را تلف کنید، ساعاتی را که از کار روزانه فراغت مییابید بکارهای سودمند صرف کنید، کارهای مفید هزار جور است که هم مایه تفریح است و هم فایده میدهد

در ساعات بیکاری کتاب یا روزنامه بخوانید با رفقای مناسب در جاهای خلوت گردش کنید

بطور خلاصه طوری رفتار کنید که هر ساعتی از عمر شما میگذرد در مقابل آن چیزی بدست بیاورید که بکار دنیا و آخرت شما بخورد.

پیر خارش و جوان مغرور

پشته خار همی برد به پشت	خارکش پیری با دلوق درشت
هر قدم دانه شکری میکاشت	لنک لنگان قدمی بر میداشت
رخش پندار همیراندز دور	نو جوانی بجوانی مغرور
گفت کای پیر خرف گشته خموش	آمد آن شکر گزاریش بگوش
دولت چیست عزیزیت کدام	خار بر پشت زنی اینسان گام
که نیم بر در تو بالین نه	پیر گفتا که چه عزت زین به
نان و آبی که خورم و اشامم	کای فلان چاشت بده یا شامم
بخسی چون تو گرفتار نساخت	شکر گویم که مرا خوار نساخت

« جامی »

خوزستان و کر و عثمان و لرستان

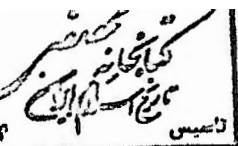
در مغرب ایران رشته کوه‌های بسیاری است که از شمال جنوب امتداد یافته و رود های بسیار در دره‌های مابین آن کوه ها جاری است

در جنوب غربی این کوه هازمین های پستی است که آبهای رودها به آن جاری شده و بطرف خلیج فارس سرازیر میشوند و این قسمت را خوزستان میگویند. شهرهای معتبر آن اهواز و شوشتر و بندر خرمشهر است.

در شمال خوزستان ناحیه کوهستانی وسیعی موسوم ب لرستان است که بدو قسمت پشتکوه و پیشکوه تقسیم میشود معتبر ترین شهر پشتکوه عیلام و مهمترین شهر پیشکوه خرم آباد است. در شمال لرستان ولایت کرمانشاه است که مرکز آن شهر کرمانشاه بواسطه واقع شدن در سر راه ایران و عراق موقع تجارتی مهمی دارد، جمعیت آن در حدود هشتاد هزار نفر است، و اطراف آن قرا و قصبات خاصه خیز فراوان دیده میشود. در شمال کرمانشاه

ناحیه کوهستانی کردستان واقع شده و دارای دره های مرتفع
سبز و خرم و معتبرترین شهر های آن سنندج است .

ناحیه غربی ایران بواسطه کوه های بلند و دره های پر آب دارای
چراگاه های مهم و برای پرورش حیوانات مناسب است همدان
یکی از شهر های معتبر منرب ایران در دامنه شمالی الوند قرار گرفته
و فاصله آن از کرمانشاه ۱۸۶ کیلومتر و از قزوین ۲۳۶ کیلومتر
است. چرم سازی آن معروف و محصولات فلاحتی و حیوانی آن
زیاد است جمعیت همدان قریب صد هزار نفر است و یکی از
مرکز های تجارتی غرب ایران محسوب میشود و راه های متعدد
به آن وصل میگردد. آرامگاه بزرگترین حکمای ایران شیخ الرئیس
ابوعلی سینا در این شهر است .



جمع و تفریق اعشار

برای جمع کردن دو عدد اعشاری آنها را چنان زیر هم باید نوشت که ممیزها در زیر هم واقع شوند اگر ارقام اعشار هر دو عدد برابر یکدیگر باشد آنها نیز مرتب خواهند بود و اگر برابر نباشند از طرف راست مقابل یکدیگر قرار نخواهند گرفت پس از آن هر رقم پائین را از سمت راست با رقم بالائی خود جمع کرده حاصل جمع را در زیر خط مینویسیم و چون بممیز رسیدیم آنها نیز درست در زیر خود در حاصل جمع قرار میدهیم.

$$\begin{array}{r} 25.854 \\ 132.97 \\ \hline 158.824 \end{array}$$

مثال

اگر چند عدد اعشاری را بنخواهیم باهم جمع کنیم باید همه آنها را چنان در زیر هم بنویسیم که ممیزها در ردیف یکدیگر قرار گیرند و جمع کنیم

$$\begin{array}{r} 25.642 \\ 125.72 \\ 17 \\ \hline 12.05 \\ \hline 180.412 \end{array}$$

مثال

برای تفریق دو عدد اعشاری عدد کوچکتر را بقسمی در زیر عدد بزرگتر



مینویسیم که ممیزها زیر هم واقع شوند و آنها را از هم کم میکنیم و اگر در بالای ارقام اعشار عدد کوچکتر رقمی نباشد آنرا از ۱۰ کم خواهیم کرد ممیز را نیز در مقابل خود در حاصل تفریق قرار میدهیم

$$\begin{array}{r} 257,653 \\ \text{مثال ۱} \end{array}$$

$$\underline{32,481}$$

$$225,172$$

$$\begin{array}{r} 100,1 \\ \text{مثال ۲} \end{array}$$

$$\underline{85,257}$$

$$14,843$$

تمرین - اعمال آینده را انجام دهید

$$10,722 + 13,01 - 9,758 = ?$$

$$121,07 + 2,91 + 756 - 123,25 = ?$$

قصه بره‌وری

دو درویش خراسانی ملازم صحبت یکدیگر سفر کردند یکی ضعیف بود که بهر دو شب افطار کردی و دیگری قوی که روزی سه بار خوردی، قضارا بر در شهری بتهمتی گرفتار آمدند هر دو را بخانه در کردند و بگل بر آوردند، بعد از دو هفته معاوم شده که بیگناهند چون در بگشادند قوی را دیدند مرده و ضعیف جان سلامت برده مردم در این عجب ماندند حکیمی در آن ناحیت بود گفت اگر برخلاف این بودی عجب بودی آن یکی بسیار خوار بود طاقت بینوائی نداشت بسختی هلاک شد و این دیگر خوبشتن دار بود لاجرم بعبادت خویش صبر کرد و سلامت به ماند.

سعدی

حکیم و سیر

ایرانیان پس از آنکه از حکومت اعراب سر باز زدند و خودشان دولت مستقل برپا ساختند با جوش و خروش زیاد به آبادی و توسعه دانش و ترقی صنایع پرداختند، بطوریکه در هفتصد و پنجاه سال پیش کشور ایران از آبادترین ممالک دنیا بود و بعضی شهرهای آن از حیث بزرگی و زیادتی جمعیت در دنیا نظیر نداشت، دانشمندان و شعرا بسیار در ایران وجود داشتند کسب و تجارت و برزگری رونقی تمام داشت و اهل ایران را ثروتی سرشار گرد آمده بود اما در همسایگی ایران مردمی وحشی و غارتگر و خونخوار میزیستند که با آبادی و دانش بلکه با نوع بشر دشمن بودند، این مردم زرد پوست و مغول نامیده میشدند در همان هنگام که ایرانیان بکار آبادی کشور خویش مشغول بودند مغولها رئیس و سر کرده ای با اسم چنگیز خان یافتند چنگیز خان تمام اقوام مغول را مطیع و متحد ساخت و کشته شدن چند نفر تاجر مغولی را در ایران بهانه کرده بالشکری که شماره آن از اندازه برون بود در ۷۳۷ سال پیش بایران تاخت

لشگر ایران در مقابل لشگر چنگیز که چون سیل می آمد نتوانست پایداری کند و شکست خورد مغولها تمام خراسان و سر کر و مغرب ایران را میدان تاخت و تاز قرار دادند تمام شهرها و آبادیها را میسوزاندند و هر کس را می یافتند میکشتمند ، گاهی شهرها را با اهالی آن آتش میزدند حتی سگ و گربه را میکشتمند ، خلاصه قتل و غارتی در ایران کردند که چشم روزگار کمتر مثل آنرا دیده است ، فقط از تمام ایران ایالت فارس بتدبیر امرای فارس از این آسیب صدمه نخورد ایرانیان هر طور بود این صدمات را تحمل کردند و بعد از مرگ چنگیز خان توانستند جانشینان او را آرامتر سازند و از خشونت و خونخواری آنان بکاهند و به آبادی ویرانهها پردازند لیکن چند سال بعد یعنی در ششصد و هشتاد سال پیش امیر خونخوار دیگری از همان طایفه مغول که نامش تیمور بود بایران حمله ور شد و باز بنای خرابی و آدم کشی را گذاشت چنانکه از سر مردم منارها ساخت و آبادیهای بسیار را ویرانه نمود . خرابی های چنگیز و تیمور بملت و کشور ایران بسیار صدمه و زحمت رسانید از آن تاریخ بعد جمعیت ایران کم شد و آبادیها کاسته گردید .

کارخانه آدم سازی

دیروز حسین يك ساعت مچی از بازار خرید بصد ریال .
ساعت را از آهن ساخته اند آهن سه كيلو ده ریال قیمت دارد
بنابر این يك ساعت كوچك بقدرسی كيلو آهن ارزش دارد .
ساعت در اول يك قطعه آهن بوده در کارخانه ساعت سازی
چند نفر روی آن کار کرده اند ، چرخ و پیچ و فنر و قاب ساخته اند
و قیمت آهن را يك بر هزار ترقی داده اند .

آموزشگاه کارخانه آدم سازی است ، در این کارخانه مقدس
طفل را پرورش میدهند و قیمت آنرا صد هزار برابر اضافه میکنند
خواهید گفت چطور مگر انسان هم ارزش دارد .

ارزش انسان به کاریست که میتواند انجام دهد ، ارزش
کسی که چراغ برق را ساخته با ارزش نجاری که میز را ساخته برابر
نیست البته آنها هر کدام کار را انجام داده و یکی از حوائج
زندگانی ما را فراهم آورده اند اما مسلماً ارزش چراغ برق دو
زندگی بیشتر از میز است و بهمین جهت ارزش کسی که چراغ

برق را ساخته از نجار بیشتر و ارزش نجار از عمده ای که جز
خشت زدن کاری نمیداند بالا تر است .

اطفال خود را از کوچکی به آموزشگاه بفرستید تا در بزرگی
ارزش آنها زیاد باشد ، طفل مثل يك صفحه سفید و ساده است
آموزگار روح او را پرورش میدهد و بر این صفحه سفید هزاران
نقش زیبا رقم میزنند مغز او را روشن میکند و ارزش او را چند هزار
برابر میافزاید . آموزشگاه روح طفل را بزرگ میکند و او را
برای خوشبختی آماده میسازد و اگر میخواهید فرزندان شما
خوشبخت باشند آنها را به آموزشگاه بفرستید .

ماشینهای فلاحی

ماشینهای فلاحی زحمت انسان را در شخم کردن و درو کردن و کوفتن گندم کم میکنند زیرا که از روی دستورهای علمی ساخته شده و زورشان بیشتر است درجائی که باید چندین نفر برزگر با چند جفت گاو در مدت چند روز زمینی را شخم نموده آماده کشت سازند. یک ماشین فلاحی میتواند تمام کار آنها را در مدت یک روز انجام دهد و از آن برزگران و گاوها میتوان استفاده های دیگر نمود. ماشینهای فلاحی برای ملك های وسیع و زمین های صاف و یکنواخت مناسب تر و بهتر است و اگر چه ظاهراً قیمت آن گران بنظر میاید ولی اگر با قیمت گاوها و خوراک و محل نگاهداری و پرستاری آنها و دست مزد کارگران حساب کنیم بهای آن بسیار کمتر خواهد بود.

برای یکنفر که ملك کوچکی دارد خریدن یک ماشین فلاحی لازم نیست ولی باید صاحبان مزرعه های کوچک با یکدیگر شریک شده هر یک سهمی از قیمت ماشین را پردازند

و برای چند آبادی کوچک نزدیک بهم يك ماشين تهیه کنند
که بکار بخورد .

شرط استفاده از ماشين فلاحتی آنستکه پیش از خریدن
آن باید از هر آبادی یکنفر را بمرکزهای فلاحتی که در
تمام نقاط کشور دایر است بفرستند و آنشخص با طرز کار
ماشين فلاحتی آشنا شده و دیگرانرا نیز کم کم آشنا سازد
مزرعه های نمونه در بیشتر نقاط کشور موجود است و صاحبان
ملك های بزرگ باید از آنها و از آموزشگاههای فلاحتی
استفاده نمایند .

خواجه نصیر

پس از مرگ چنگیز هلا کو خان با لشگری بایران بیامد تا اگر در گوشه و کنار قلعه های محکمی باشد که مردم بدانجاها پناهنده شده باشند بگشاید و حکومت مغول سراسر ایران و ممالک اطراف آنرا فرا گیرد وقتی بخراسان رسید از جمله بزرگان و دانشمندانی که نزد وی رفتند خواجه نصیر الدین طوسی بود. خواجه نصیر از دانشمندان بزرگ ایران است که در هفصد و پنجاه و هفت سال پیش در نزدیکی قم تولد یافته . خواجه نصیر در تحصیل علوم مختلف زحمات بسیار کشید از جمله علم نجوم را بخوبی فرا گرفت و از منجمین بزرگ زمان گردید . وقتی هلا کو خان هنرها و دانشهای وی را بدید او را از جمله خاصان خود ساخت و درسفرها همراه خویش برد خواجه نصیر در کارهای مهم به هلا کو خان کمک میکرد و بهمین جهت توانست از قتل و غارت هلا کو خان جلوگیری کند . اگر سفارشها و پند های خواجه نصیر نبود هلا کو خان هم مثل

چنگیز خان مردم بیشماری را میکشت . خواجه نصیر بسیاری
از دانشمندان را از هلاکت و بسیاری کتب گرانبهارا از نابود
شدن نجات داد

این دانشمند بزرگ کتابهای بسیار در علوم مختلف و اخلاق
نوشته یکی از آنها کتابی است باسم اخلاق ناصری .
خواجه نصیر در شهر مراغه عمارتی ساخت تا از آن ستاره
ها را بخوبی ببیند و حرکات آنها را بشناسند اینگونه عمارت
هارا که بشکل مخصوصی میسازند رصدخانه گویند . وقت
خواجه در ششصد و هفتاد و دو سال پیش اتفاق افتاده است .

شرافت کار

برو کار میکن مگوچیست کار
 که سرمایه جاودانیست کار
 قدیمیها میگفتند سر بیکار آشیانه شیطانست، یعنی هر کس
 کار نکند و بیکار باشد شیطان در سر او آشیانه میگذارد.
 کار کردن مایه خوشبختی است، شما امروز که کار میکنید
 خوشبختید فردا ثمره کار خود را میبرید باز هم خوشبختید، از
 نتیجه کار خود بديگران کمک میکنید اینهم يك خوشبختی که
 بواسطه کار بمقصود خود میرسید اینهم يك خوشبختی دیگر،
 بنا بر این کار کردن سرچشمه تمام خوشبختیهاست.
 هیچوقت فکر نکنید که کار شما کوچک یا بزرگ است،
 کار مفید کوچک و بزرگ ندارد، کار خود را با دقت و دلگرمی
 انجام دهید، اگر امروز از کار خود بقدر کافی فائده نمیبرید
 دلسرد نشوید، وظیفه شناس باشید و کاریرا که بشما میدهند
 بخوبی انجام دهید و مطمئن باشید که دیر یا زود، نتیجه
 رنج و کوشش خود را خواهید برد.

آزمودن فریدون سپهر خورا

بیامد بسان یکی ازدها کنرو شیر گفتمی نیابد رها
 بیامد دمان سوی مهتر پسر که او بود پر مایه و تاجور
 پسر گفت با ازدهاروی جنک نبیند خرد یافته مرد هنگ
 سبک پشت بنمود و بگریخت زوی پدرزی. برادرش بنهاد روی
 میانه برادر چو او را بدید کمانرا بنزه کرد و اندر کشید
 چنین گفت اگر کارزار است کار چه نر ازدها و چه جنگی سوار
 بگفت این و بنهاد رخ در گریز اگر چند بودش دل پرستیز
 چو کمتر پسر نزد ایشان رسید خروشیدن ازدهارا بدید
 بدو گفت کنز راه ما باز شو نهنگی تو بر راه شیرا، مرو
 گر از راه بیراه یکسو شوی و گر نه نهمت افسر بد خوی
 فریدون فرخ چو بشنید و دید هنرها بدانست و شد ناپدید
 برفت و بیامد پدر وار پیش چنان چون سزایده به آئین خویش
 چنین گفت کان ازدهای دژم کجا خواست گیتی بسوزد بدم
 پدر بد که جست از شما مردمی چو بشناخت برگشت باخرمی

شاهنامه

نظام وظیفه

هر کسی باید از خانه خود دفاع کند، کشور خانه ملت است، ملت وظیفه دار است در مقابل دشمنان خارجی و داخلی از خانه خود دفاع کند، دفاع کشور بوسیله سربازان شجاع و دلیر انجام میگیرد، بنا بر این تمام افراد باید با وظیفه مقدس سربازی آشنا باشند تا در موقع لزوم بتوانند خانه خود و آرامگاه پدران یعنی میهن عزیز را از خطر برهانند و خاک خویش را از دستبرد دیگران نگاهدارند، قانون نظام وظیفه یکی از قوانین خوب و مفید است که در عصر جدید بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

بموجب قانون نظام وظیفه هر جوانی که بسن بیست و یکسال میرسد باید خدمت مقدس سربازی را انجام دهد، اشخاص رنجور و کر و کور از این سعادت محروم هستند و قانون آنها را از خدمت معاف داشته است.

خوشبختی ملت بسته بعظمت کشور است، عظمت کشور بهمت و نیروی سربازان دلیر و شجاع و بسته است، کشوری

که سربازان شجاع و دلاور دارد، در میان کشورهای جهان به
بزرگی و سرفرازی زندگی میکند، قانون نظام وظیفه بمامیگوید
دو سال وقت خود را برای خوشبختی ملت و عظمت کشور صرف
کنیم، چه وظیفه مقدسی است.

نظام وظیفه صرفنظر از فوائد عمومی برای افراد نیز مفید
است، زندگی سربازی انسان را منظم و پرحوصه میکند،
ورزشهای بدنی که سربازها انجام میدهند آنها را ورزیده و
نیرومند میسازد، روح شرافت و استقلال و اعتماد بنفس در
سربازخانه پرورش مییابد و کسی که با زندگی سربازی آشنا
شد شرافت خود را بیشتر از هرچیز دوست میدارد.

نظام وظیفه بهترین وسیله سرباندی ملت و عالی ترین طریق
برای تربیت افراد است.

خطرات سفلیس

سفلیس یکی از امراض مقاربتی است که سبب انقراض خانواده ها و جمعیت ها میشود.

کسیکه دچار ناخوشی سفلیس یا کوفت شده تا زنده است گرفتار است و با وجود معالجه های متمادی هم ممکنست از عواقب خطرناک آن در امان نباشد اینمرض قریب یکماه بعد از سرایت بروز میکند و اول علامت آن جوش است که در آلت تناسل پیدا شده بزودی زخم کوچکی میشود چندی بعد از پیدا شدن زخم در تمام بدن جوشهای قرمزی پیدا میشود و در دهان و زبان و گلو لکه و زخم هایی بروز میکند و مدتی بعد از آن دمل ها و زخمهای کوچک و بزرگ سروتن انسان را فرو میگیرد بواسطه زخم حنجره صدا گرفته میشود زبان کوچک و استخوانهای سق و بینی خورده میشوند و غذا آشامیدنی ها که داخل دهان میشود از بینی بیرون میریزد این زخم ها بره های بد و و منظرة نفرت آور دارد و همه کس را از انسان گرینان میکند ناخوشی ممکنست بزمن و بچه و نزدیکان بیمار سرایت کند و

اگر زن آبستن شود حتما بچه را انداخته یا مرده میزاید
سفلیس عاقبت شخص را کور و کر و اذلیج کرده و بیمار پس از
یکسلسله رنجها و زجرهای طاقت فرسازند کانی را بد رود
میگوید این خطر هادر صورتی متوجه میشود که شخص معالجه
درست نکند ولی خوشبختانه امروز دواهایی بطور خوراکی و
مالیدنی و باسوزن زدن استعمال میکنند که از بسیاری از آنها
جلوگیری مینماید و حتی اولاد سالم هم میتوان پیدا کرد لیکن
شرطش این است که تا زخمها خوب شد از مداوا دست برد
نداشته لا اقل سه سال پیری نمایند و خرن را در ارجزیه
سالی چند مرتبه امتحان کنند و به بیند اثری از مرض نداشته
باشد البته بهترین وسیله برای دوری از این بدبختیها این
است که شخص جز با همسر پاکی که بزناشویی برگزیده
نزدیکی نکرده در آمیزشها احتیاط کند از طرف کسی غذا
و آب نخورد و کیسه و تیغ و مسواک دیگران را استعمال ننماید

رودخانه‌ها و معاون ایران

رودخانه‌های ایران بسه قسمت میشود قسمتی از آنها بدریای خزر و قسمتی بخلیج فارس و قسمت دیگر وارد دریاچه‌ها و باطلاحهای داخلی شده یا به صرف آبیاری زمینهای زراعتی میرسد و دهائی که بدریای خزر میرسند عبارتند از ارس در شمال آذربایجان که مجرائی بسیار عمیق دارد و سرحد ایران و قفقاز است سفید رود که از کردستان جاری شده و شعبهای بسیار از آذر بایجان بد آن رسیده پس از گذشتن از منجیل و اتصال بشاهر و دگیلان را قطع کرده بدریای خزر میرسد. و رودهای مازندران مانند چالوس و بابل و تجن و نیکا که بر روی هر يك از آنها پلهای آهنی بسیار محکم و قشنگ ساخته شده است.

در گرگان رود اترک که سرحد ایران و ترکستان است. معتبرترین رودی که بخلیج فارس میریزد رود کارون است که

از کوههای زرد کوه جاری شده پس از پیمودن پیچ و خمهای زیاد و دریافت شعبه‌های پر آب مانند آبدینر در کنار جزیره آبادان وارد خلیج فارس میشود و دهانه آن با شط العرب مشترک است و در این رود کشتیرانی میشود و پل آهنی معتبری دارد. رودهای دیگری مانند شاپور و مهران نیز در فارس جاری است که با اهمیت کارون نمیباشد.

رودهایی که در داخل ایران جاری است عبارتست از زاینده رود در اصفهان و کر یا بند امیر در فارس و هیرمند در سیستان و قراسو و کرخه در لرستان و خوزستان و بسیاری رود های دیگر که همه بمصرف زراعت میرسند و بعضی از آنها هنگام تابستان خشک میشود

در ایران معادن فراوانست که تا این سالهای اخیر باستخراج آنها پرداخته بودند و از آنها استفاده نمیشد مهمترین آنها معادن نفت است که در خوزستان و کرمانشاه استخراج میشود و پالشگاههای آن در آبادان و کرمانشاه است و قسمت مهم آن بخارج میرود. دیگر معادن ذغال سنگ است که در کوههای البرز استخراج میشود و معادن مس و آهن و سرب و اغلب فلزهای دیگر.

مقیاسهای رسمی

بقیه از صفحه (۵۴)

مقیاس حجم متر مکعب است و آن صندوقی است که درازی هر بدنه آن یک متر باشد

هر متر مکعب برابر با ۱۰۰۰ دسیمتر مکعب و هر دسیمتر مکعب برابر با ۱۰۰۰ سانتیمتر مکعب و هر سانتیمتر مکعب ۱۰۰۰ میلیمتر مکعب است. اگر این عدد را ۲۷۵۶۹۷۳۲ داشته باشیم که واحد آن متر مکعب باشد چنین خوانده میشود: دو متر و ۷۵۶ دسیمتر و ۹۷۳ سانتیمتر و دو یست میلیمتر مکعب.

مقیاس وزن کیلوگرم است و آن وزن یک دسیمتر مکعب آب خالص در درجه حرارت ۴ است

هر کیلوگرم مساوی هزار گرم و هر گرم وزن یک سانتیمتر مکعب آب خالص است هر هزار کیلوگرم را یک تن گویند سه کیلوگرم را یک من گویند ۷۵۰ گرم را یک چارک نامند ۷۵ گرم را یک سیر خوانند چیزهای مایع را ممکن است با پیمانانه اندازه گرفت و پیمانانه مکعبی که هر بدنه آن ده سانتیمتر باشد یک لیتر گفته میشود یک لیتر آب خالص ۱۰۰۰ گرم وزن دارد.

یک لیتر روغن و نفت و الکل و بنزین سبکتر از هزار گرم و یک لیتر سنگین سنگین تر از هزار گرم است

نیکوکاری

یکی در بیابان سگی تشنه یافت

برون از رمق در حیاتش نیافت

بخدمت میان بست و بازو گشاد

سک نا توان را دمی آب داد

خبر داد پیغمبر از حال مرد

که داور گناهان او عفو کرد

چه حق با سگی نیکوئی کم نکرد

کجا کم کند خیر با نیک مرد

تو با خلق نیکی کن ای نیکبخت

که فردا نگیرد خدا بر تو سخت

« بوستان »

مجالس عمومی

مجالس عمومی یعنی مجالس وعظ و خطابه . سینماها و نمایش ها که همه کس در آنجا رفت و آمد میکند، حضور در مجالس عمومی آداب و شرایطی دارد که رعایت آن ما را در نظر دیگران عزیز می کند. وقتی میخواهید در یکی از مجالس عمومی حاضر شوید ساده ترین و نظیفترین لباس خود را بپوشید، همینکه وارد شدید دقت کنید در جای مناسب بنشینید در سینما و نمایش در محلی که بازبینها بشما نشان میدهند جای بگیرید، آرام و ساکت باشید، در ضمن نمایش از کار بازیگرها بصدای بلند تعریف یا مذمت نکنید در مجلس خطابه ضمن سخنان ناطق چیزی نگوئید. در سینما تنها و بی موقع نخندید، بیجا کف نزنید با رقصا و نزدیکان خودتان با صدای بلند شوخی و گفتگو نکنید

چیز خوردن و سیگار کشیدن در مجالس عمومی بد است و انسان را در نظرها خوار میکند اشخاص عاقل و مؤدب هیچوقت در مجلس عمومی سیگار نمیکشند زیرا دود سیگار مایهٔ زحمت و اذیت دیگران است .

ضرب اعشار

برای ضرب دو عدد اعشاری آنها را در زیر هم نوشته صرف نظر از ممیزها کرده مانند دو عدد صحیح ضرب میکنیم ولی در حاصل ضرب کل باندازه مجموع رقمهای اعشار دو عدد اولی ممیز میگذاریم.

۱۰۵۳

۲۳

۴۵۹

۳۰۶

۳۰۵۱۹

مثال:

حاصل ضرب ۳۰۵۱۹ است ولی چون دو عدد ضرب شده مجموعاً سه رقم اعشار داشتند قبل از ۵ ممیز قرار میدهیم و حاصل ضرب آنها ۳۰۵۱۹ میشود.

اگر یکی از دو عددی که میخواهیم ضرب کنیم قبل از ممیز رقمی نداشته باشد و صفر باشد حاصل ضرب آن دو عدد کوچکتر از عدد بزرگتر خواهد بود چنانکه در این ضرب:

۱۳۲۸

۰۲۱

۱۳۲۸

۲۶۵۶

۸۲۷۸۸

حاصل ضرب ۲۷۸۸۸ کوچتر از ۱۳۲۸ است.

اگر دو عدد اعشاری هیچيك عدد صحيح نداشته باشند حاصل ضرب هر دو عدد کوچتر خواهد بود.

حاصل ضرب یعنی ۰۲۶۲۵ از ۰۳۵ و ۰۷۵ کوچتر است

۰۳۵

۰۷۵

۱۷۵

۲۴۵

۰۲۶۲۵

نگاهداری شیر و گوشت و پشم

شیر غذای کاملیست که برای بچه ها و بیماران و سالخورده گان از هر خوراک دیگری مناسب تر است ولی این غذای لطیف اگر بخوبی نگاهداری نشود بریده و ترش میشود، برای اینکه شیر مدتی بی عیب بماند باید آنرا در ظرف پاک که با آب جوش شسته شده باشد ریخته و در جای خنکی گذارده رویش را با پارچه تمیز یا سرپوش بپوشانند که گرد و خاک داخل آن نشود ولی بهتر آن است شیری را که میخواهند مدتی نگاهدارند قبلا بجوشانند برای استعمال گوشت نیز باید اصول بهداشت را رعایت کرد حیوانی را که میخواهند بکشند و گوشت آنرا بخورند اگر از راه دور آمده و خسته باشد باید لا اقل بیست و چهار ساعت راحت بگذارند تا رفع خستگی کرده سم هائیکه در بدنش تولید شده با ادرار و عرق و از راهش ها بیرون بیاید و الا گوشتش مضر است و سبب ناخوشی هائی مانند قی و اسهال و قولنج خواهد شد از استعمال گوشتهای مانده باید خودداری کرد

مگر اینکه در یخ نگاهداشته یا نمک پاش کرده یا سرخ کرده و یا دود داده باشند هر وقت دست یا بدن انسان بگوشت آلوده شود باید با کمال دقت با صابون بشوید زیرا ممکن است میکرب سیاه زخم که در حیوان سبب خون شاش میشود و در انسان سیاه زخم میدهد موجود باشد و اسباب زحمت شود همین میکرب ممکن است در پشم هم مدتها بماند و به همین جهت است که دباغ‌ها زیاد مبتلا به سیاه زخم میشوند و برای جلوگیری از سرایت همین مرض است که پشم‌هایی را که از کشوری بکشورهای دیگر برای تجارت میفرستند باید قبلا با وسائل بهداشتی ضد عفونی نمایند .

آثار باستان

یکی از نشانه های تمدن و ترقی ملل در دوره های قدیم آثاری است که از روزگار باستانی آنان بجای مانده است.

چون ملت ایران از ملل متمدن قدیم عالم است در ایران آثار باستانی بسیار وجود دارد که یکی از آنها آثار تخت جمشید است.

آثار تخت جمشید در جلگه مرو دشت فارس و در فاصله یا زده فرسنگی در شمال شهر شیراز میباشد، تخت جمشید پایتخت شاهنشاهان هخامنشی بوده و دار یوش بزرگ آنرا در ۲۲۷۰ سال پیش بنا کرده و پادشاهان بعد از او بکاخها و آبادی آن افزوده اند، تخت جمشید دارای قلعه ای بوده که ارك شهر محسوب میشده و اسکندر یونانی در ۲۲۷۰ سال پیش آتش زد از آن زمان این شهر و کاخهای سلطنتی و عمارات عالی آن رو بانهدام گذاشت و قسمت بزرگی از آن زیر خاک رفت که اکنون مشغول کاوش و بیرون آوردن آنها هستند. بطور کلی قسمتهائی از بناهای تخت جمشید که از سنگ بوده مانند پله کانهها و ستونها و سر ستونها و سر درب ها و پیشانیهای قصور و مجسمه ها بر جا مانده و بقیه خراب شده است آثار تخت جمشید بزرگی صنایع و هنر مندیهای ایرانیان قدیم را بخوبی ظاهر و هر بیننده را غرق حیرت میسازد.

دار یوش و خشایار شاهر يك قصری بزرگ با ستونهای سنگی بلند در آنجا ساخته اند که اکنون باقی است و یکی از آنها معروف بقصر صد ستون است بعلاوه کتیبه ها و نقش های بسیاری در تخت جمشید باقی مانده

که هر کدام ذلیل بزرگی و عظمت ایران قدیم است . بر هر ایرانی لازم است این آثار باستانی را که نشانه جلال میهن او است به بیند و گذشته پر افتخار نیاکان خود را بچشم تماشا کند .



خرابه های تخت جمشید مشتمل بر يك صفحه یا تخت بلندی است بر فراز تپه وسیع سنگی که در دامنه کوه رحمت احوادث گردیده و قصر های متعدد بر بالای صفحه مزبور بنا شده که مهمترین آنها عبارتند از قصر ایاران که تالار اصلی جلوس پادشاهان هخامنشی بوده و قصر صد ستون که آن نیز تالاری برای جلوس و سلام شهر یاران هخامنشی بوده و صد ستون داشته است . دیگر قصر تچر میباشد که برای سکونت داریوش بزرگ ساخته شده و بر دیوار های آن نقوش برجسته شاه و ملازمین وی پدیدار است قصر بزرگ دیگری با اسم هدش برای سکونت خدایار شاه ساخته شده بود که امروزه ویرانه های آن بر بالای طفه تخت جمشید هویدا میباشد . در طرف مغرب صفحه تخت جمشید بناهای زیادی برای اندرون و حرم سرای شاهان هخامنشی ساخته بودند که یکی از آنها دارای درگاهها و پایه های سنگی بوده و امروزه در ضمن ترمیمات و خاک برداریها قصر اخیر الذکر را مانند زمان قدیم ساخته اند و نمونه از قصر های آباد تخت جمشید را بدینوسیله آشکار نموده اند . در ضمن خاک برداریها در چند سال اخیر پلکانها و حجاریها و آثار بسیار زیاد و سالم و عالی مانند روز اول از زیر خاک یروو آورده اند .

تقسیم اعشار

حالت اول- اگر عده رقم های هر دو عدد مساوی باشد مانند عدد صحیح تقسیم کرده خارج قسمت ممیز لازم نیست ولی در باقی مانده بعده رقمهای مقسوم ممیز میگذاریم

$$\begin{array}{r} 39750 \mid 1235 \\ 27 \quad \quad \quad 3 \end{array}$$

در این مثال

خارج قسمت ۳ و باقیمانده ۷۵ ر ۲ است.

حالت دوم- اگر عده رقمهای هر دو اعشار مساوی نباشد چون اگر در طرف راستشان صفر بگذاریم مقدارشان تغییر نمیکند بواسطه گذاشتن صفر ارقام اعشار را مساوی نموده مانند حالت اول تقسیم میکنیم.

$$\begin{array}{r} 292 \mid 728 \\ 292 \end{array}$$

در این مثال

پس از ۲ در مقسوم يك صفر میگذاریم و تقسیم میکنیم.

$$\begin{array}{r} 2920 \mid 728 \\ 008 \quad \quad \quad 4 \end{array}$$

خارج قسمت ۴ و باقیمانده ۰۰۸ ر ۰ است.

حالت سوم- در تقسیم اعشار میتوان هر عددی را هر چند کوچک باشد بر هر عدد بزرگی تقسیم کرد و آن بواسطه قرار دادن صفرهای اضافی پس از ممیز است ولی باید بعده صفرهای قرار داده شده در مقسوم و ارقام اعشار خود مقسوم در خارج قسمت ممیز بگذاریم

مثلاً میخواهیم ۱۳۷۵ ریال به ۲۵ نفر قسمت کنیم طریق

$$1375 \overline{) 25}$$

$$125 \text{ ر } 000$$

...

بهر نفر ۵۵ دینار میرسد و چیزی باقی نمی ماند

اگر بنخواهیم ۱۴ را بر ۲۷۵ تقسیم کنیم چنین عمل میکنیم:

$$14 \overline{) 275}$$

بهمین طریق هر چه تقسیم کنیم باقی مانده آن ۲۵ خواهد شد.

$$1400 \quad 275$$

$$2500 \overline{) 50909}$$

$$2500$$

$$0 \text{ ر } 0025$$

کشتن سهراب بدست رستم

رستم پهلوان تاریخی ایران وقتی بتوران سفر کرد تهمینه را بزنی گرفت پس از چندی تهمینه پسری آورد نامش را سهراب گذاشت سهراب همینکه بزرگ شد مانند پدر پهلوانی دلیر و بی نظیر بود افراسیاب در نظر گرفت سهراب را بالشگری انبوه بجنگ ایرانیان بفرستد شاید بتواند رستم پهلوان ایران را از میان بردارد، سهراب بطرف ایران آمده در میدان جنگ بارستم روبرو میشود میداند رستم پدر اوست ولی نمیداند کسی که در مقابل اوست همان رستم است، رستم سهراب را نمیشناسد پدر و پسر باهم کشتی میگیرند سهراب رستم را بزمین میزند و میخواهد سینه اش را بدرد ولی رستم میگوید رسم ما این است که در دفعه اول دشمن را نمیکشیم و اگر نوبت دوم بر او غالب شدیم حق داریم خونش را بریزیم. باینجهت دفعه دوم کشتی میگیرند این مرتبه رستم سهراب را بزمین زده بلافاصله باخنجر سینه اش را میشکافد سهراب در حال مرگ چنین میگوید :

ز مهر اندر آمد روانم بسر	نشان داد مادر مرا از پدر
چنین جان بدادم بدین آرزوی	همی جستمش تا بینمش روی
ندیدم درین هیچ روی پدر	درینجا که رنجم نیامد بسر
ویا چون شب اندر سیاهی شوی	کنون گرتو در آب ماهی شوی
پیری ز روی زمین پاک مهر	و گر چون ستاره شوی بر سپهر
چوبیند که خشت است بالین من	بخواهد هم از تو پدر کین من

اژ آن نامداران و گردن کشان
که سهراب کشته است و افکنده خوار



چو رستم شنید این سخن خیره گشت
ببفتاد از پای و بیهوش گشت
پرسید از آن پس که آمد بهوش
بگو تا چه داری زرستم نشان
که رستم منم گم ممانا نام
بزد نعره و خونش آمد بجوش
چو سهراب رستم بد انسان بدید
بد و گفت گر زانکه رستم توئی
ز هر گونه بودم ترا رهنمای
کنون بند بگشای از جو ششم
ببازوم بر مهره خود نگر
چو بر خاست آواز کوس از درم
همی جانش از رقتن من بخت
مرا گفت کین از پدر یادگار
کنون کارگر شد که پیکار گشت
چو بگشاد خفتان و آن مهره دید
همی گفت کای کشته بر دست من
همی ریخت خون و همیکند موی

کسی هم بر دتزد رستم نشان
همیخواست کردن ترا خواستار

جهان پیش چشم اندرش تیره گشت
همی بی تن و تاب و بی توش گشت
بدو گفت با ناله و با خروش
که گم باد نامش ز گردن کشان
نشیناد بر ماتم پور سام
همی کند موی و همی زد خروش
ببفتاد و هوش از سرش بر پرید
بکشتی مرا خیره بر بد خوئی
نجنید بکلخت مهرت ز جای
برهنه بین این تن روشم
بین تا چه دید این پسر از پدر
بیامد پیر از خون دورخ مادرم
یکی مهره بر بازوی من بیست
بدار و بین تا کی آید بکار
پسر پیش چشم پدر خوار گشت
همه جامه بر خویشان بر درید
دلیر ستوده بهر انجمن
سرش پر ز خاک و پر از آبروی

شاهنامه

گنوهی بابدان

شنیدیم که مردی غم خانه خورد
که زنبور بر سقف آن لانه کرد
زنش گفت از اینان چه خواهی مکن
که مسکین پریشان شوند از وطن
بشد مرد نادان بی کار خویش
گرفتند یکروز زترا به نیش
زن بیخورد بر در و بام و کوی
همی سکرد فریاد و میگفت شوی
مکن روی بر مردم اینترف ترش
تو گیتی که زنبور مسکین مکش
کسی بابدان نیکوئی چون کند
بدان را تحمل بد افزون کند
سک آخر چه باشد که خوانش نهند
بفرمای تا استخوانش دهند

« بوستان »

حافظ

یکی از سخنوران نامدار و بزرگ ما خواجه حافظ است حافظ تقریباً در شصت و پنج سال پیش در شیراز تولد یافته و در جوانی نزد استادان بزرگ آن زمان بتحصیل دانش پرداخته و در بسیاری از علوم بدرجه بلند رسیده است در زمان حافظ کشور ایران و ایالت فارس گرفتار کشمکش و ستیزه امرای مغول و غیرمغول بود با اینکه در چنین اوضاعی کمتر کسی بعلم و ادب میردازد، حافظ بسرودن غزلهای شیرین و پر معنی میپرداخت و آن روزگار آشفته شاعر بزرگ را از کار باز نمیداشت حافظ از گویندگان بلند قدر ایران است و پاره از سخنان نامدار فرنگستان او را پیشوای خود قرار داده اند.

دیوان حافظ که همان اشعار اوست مورد توجه و دلبستگی عموم است و مردم از زیادی اعتقاد بحافظ بادیوان او راز و نیاز میگویند و از روح بزرگ شاعر در کارهای خود کمک میخواهند خواجه حافظ در دوران زندگانی خود با احترام میزیسته چند سفر کوتاه کرده و بقیه را در شیراز بسر برده است در پانصد و شصت و سه سال پیش در گذشته و بارگاه او در شیراز زیارتگاه اهل معرفت و خودی و بیگانه است.

بازیهای ورزشی

ورزش ما را از رنجوری و ضعف و زبونی رهایی داده برای کوشش و تلاش در میدان زندگی آماده میکند ، ورزش در نمو بدن اطفال تأثیر دارد جوانان را قوی میکند و پیران را سالم نگاه میدارد .

ورزش باید در هوای آزاد انجام گیرد ، ورزش کردن در جاهای تاریک و سرپوشیده گذشته از اینکه فایده ندارد زیان آور است .

راه رفتن در هوای آزاد بهترین و آسانترین ورزشهاست ، خوشبختانه این ورزش مفید خرجی ندارد و همه کس میتواند روزها قسمتی از اوقات فراغت خود را بگذردش و پیاده روی بگذراند . توپ بازی چون ما را بدویدن و تلاش کردن و امیدارد عضلات را تقویت میکند و کسالت را از تن دور میسازد ، شناوری از جمله ورزشهای خوب است اعضا را نیرومند ، روح را شاد و جسم را سالم میکند .

حصه واسهال خونی

حصه یکی از ناخوشی های سخت و خطرناک است، که معمولاً سه هفته طول میکشد اگر سبک باشد زودتر تمام میشود و اگر سنگین باشد ممکن است خیلی بیشتر بطول انجامد روزهای اول بیمار تب میکند و کم کم تبش بالا میرود و تا آخر ناخوشی قطع نمیشود و موقع خوب شدن تب کم کم پائین میآید سر در در این ناخوشی زیاد است و شخص علوی گنج میشود که قادر به حرف زدن نیست گاهی کسی را نمیشناسد و هذیان میگوید چند عدد لکه های قرمز کوچک که دانه حصه میگویند بتفش میزند اگر مریض خوب معالجه بشود غالباً روز بیست و یکم عرق میکند و تب میبرد ولی مدتی ضعیف و بی پنیه خواهد بود و اگر ناپرهیزی کند و غذائی غیر از شیر و فرنی و ماست و آش رقیق بخورد دوباره ناخوشی بر میگردد و ایندفعه خطرناک تر خواهد بود در مرض حصه از همان ساعت اول باید بطیب رجوع کنند این ناخوشی را از آب های کثیف که میکرب حصه دارد میگیرند و کشنده گمانیکه از این ناخوشی میمیرند نادانهای هستند که رخت و چیزهای آلوده را در نهرها میسورند غذاها و سبزیهای خام یا میوه که میکرب از آب باتوارسیده باشد سبب این ناخوشی میشوند اشتناصیکه در کوچها و کنار نهرها ادرار میکنند یا دفع براز مینمایند بواسطه آلوده کردن آب میتوانند سبب بیماری و مردن اشتناص بیگناه بشوند زیرا ممکن است کسی میکرب حصه در اندرونش باشد و خودش ناخوش نشده ولی بامدفع خود آبی را آلوده کند و کسانی را به

حصبه مبتلا سازد پس برای جلوگیری از انتشار حصبه باید هر کس آلوده کردن آب را گناه بزرگ شناخته و از طرف دیگر هیچکس جز آب پاک که محل اطمینان باشد نیاشامد و سبزی و میوه هارا که خام میخورد با آب پاک یا جوشیده بشوید و چون این ناخوشی مسری است و باصطلاح واگیر دارد نباید بمرض حصبه ای خیلی نزدیک شد زیرا بیمار دستش آلوده است و ممکن است لحاف و توشک او هم آلوده شده باشد اینست که همیشه لازم است در خانه که حصبه هست همه مواظب باشند و مخصوصاً مقداری آب آهک یا اسید فنیک یا کوئولین در مستراح و حیاط بپاشند و بعد از تمام شدن ناخوشی آنچه آلوده شده بجوشانند یا بسوزانند تا دیگران در امان باشند .

اسهال خونی را هم که ناخوشی سختی است انسان از خوردن آب کثیف میگیرد ممکن است ظاهر آب صاف و زلال و پاک بنظر بیاید ولی میکرب و جانور های اسهال خونی یا حصبه در آن باشد این است که باید هر وقت از آبی مطمئن نیستیم آنرا جوشانیده بعد از گذاردن در هوا و خشک شدن بیاشامیم در این ناخوشی هم مثل حصبه روده ها آسیب دیده اند و باین جهت اول شرط معالجه راحت گذاردن روده ها و غذا نخوردن است چیزی که میتوان بمقدار کم خورد آب برنج و ماست است و برای رفع عطش هم کمی دوغ بی نمک بهتر است باید شکم و پاها را گرم نگاهداشت و از ابتدا بطیب مراجعه کرد زیرا باید دواهایی مثل اکتین یا سرم ضد اسهال تزریق شود و معالجات مخصوصی دارد که اگر زود نشود خطرناک خواهد بود .

اداره معارف

در همسایگی ما یکنفر زندگی میکند که چشم ندارد، بیچاره دائماً در گوشه ای افتاده است هیچکار از او ساخته نیست، از زندگی لذتی نمیرد برای آنکه چشم ندارد جایی را نمی بیند. اگر یکنفر پیدا شود میتواند چشم او را بینا کند، مثل اینست که او را دوباره زنده کرده باشد زیرا زندگی بدون چشم از مرگ بدتر است.

اشخاص بیسواد کورند و روحشان تاریک است، از جایی خبر ندارند، و چیزها را چنانکه هست نمی بینند کسی که اشخاص بیسواد را با سواد کند و روحشان را بنور دانش روشن سازد مثل اینست که آنها را از کوری نجات داده باشد

اداره معارف این وظیفه را عهده دار است و برای با سواد کردن افراد کوشش میکند.

در ایام قدیم همه کس نمیتوانست سواد داشته باشد، هر کس میخواست درس بخواند، ناچار بود یکنفر آموزگار پیدا کند مبلغ گزافی بدهد و درس بخواند، اما اکنون معارف را دولت اداره میکند، تحصیل برای همه مجانی است اطفال در آموزشگاهها بخرج دولت درس میخوانند، برای بزرگها کلاس اکابر تاسیس شده است، سرپرستی آموزشگاهها و امتحان شاگردان و انتخاب آموزگاران و مراقبت در انجام وظایف هر يك بعهده اداره معارف است.

برای نهادن چه سنگ و چه زر

بگفتی زهره خرج کردن نداشت
زرش بود و یارای خوردن نداشت
نه دادی که فردا بکار آیدش
نه خوردی که خاطر بیاسایدش
بدانست روزی پسر در کمین
که ممسک کجا کرده زر در زمین
ز خاکش بر آورد و برباد داد
شنیدم که سنگی بجایش نهاد
پدر زار و گریان همه شب نخفت
پسر بامدادان بخندید و گفت
زر از بهر خوردن بود ای پدر
برای نهادن چه سنگ و چه زر

سعدی

شاه اسمعیل صفوی

از انقراض دودمان ساسانیان تا چهار صد و پنجاه سال پیش یعنی در مدت نهصد سال کشور ما آسایش و امنیت بخود کمتر دید تنها چند سالی در دوره پادشاهی جلال الدین ملک شاه و وزارت خواجه نظام الملک ایرانیان آسوده بودند ولی تاخت و تازهای مغول تمام اساسها را برهم زد، در این هنگام از میان يك خانواده ایرانی که اهل پرهیز و تقوی بودند جوانی بنام اسمعیل بر آن شد که دولتی تازه در ایران تشکیل دهد، ایرانیان چون بخانواده اسمعیل که خانواده صفوی نام داشت اعتقاد داشتند بنا بر این دور او گرد آمدند و اسمعیل تمام ایران را مطیع يك دولت ساخت. در این موقع دشمنان خارجی ایران که نمیخواستند کشور ما امن و آباد گردد بتلاش افتادند شاید این دولت را جوانمرك سازند اما دلیری شاه اسمعیل و لشگریان نگذاشت کاری از پیش ببرند چنانکه شاه اسمعیل در جنگ چالدران در حوالی خوی باشمشیر برهنه بسپاهیان دولت عثمانی حمله برد زیرا که توبرا باشمشیر پاره کرد و چند توپچی دشمن را گردن زد. شاه اسمعیل در پانصد و بیست و چهار سال پیش درگذشت. یکی از کارهای او رسمی ساختن مذهب شیعه در ایران است.

آثار باستان

بیستون طاق بیستان

در راه بین همدان و کرمانشاهان شش فرسنگ نرسیده بکرمانشا
هان در کنار جاده کوهی است بنام بیستون به بلندی چهار هزار
پا که از زیر آن کوه چشمه سار هائی است روان و از قدیم
الایام این محل بار انداز مسافرین بوده است داریوش بزرگ
قسمتی از سینه این کوه را حجاری کرده و بر آن آثاری از خود
گذارده است در این حجاری داریوش ایستاده دست خود را
ب تقدیس خدا وند بلند کرده و پای خود را بروی سینه یکی
از دشمنان خود که مغلوب کرده گذاشته است در پشت سر او
دو نفر از بزرگان ایران قرار دارند و در مقابل او نه نفر دست بسته
یکی بعد از دیگری ایستاده اند این نه نفر یاغیان و ولایات
بوده اند که در ابتداء سلطنت داریوش بر او شوریده اند .
در بالا و پائین این نقوش بخط میخی کتیبه هائی است
که داریوش نویسانده در این کتیبه ها ابتدا داریوش خود را باسم
و نسب معرفی میکند سپس وسعت کشور ایران را بیان و ولایات
آنها نام برده آنگاه ب ذکر شورش ولایات در عهد سلطنت خود
و جنگهائی که با یاغیان کرده و آنها را مغلوب ساخته است

پرداخته در آخر پادشاهان آتیه اندرز داده و سقارش کرده است
این نوشته ها و پیکرها را حفظ کنند داریوش در این کتیبه
پیشرفت و غلبه خود را در جنگها بیاری خداوند دانسته است .
در راه بین همدان و کرمانشاهان چهار فرسنگ بعد از
بیستون یعنی تقریباً یکفرسنگ بکرمانشاهان مانده اثر تاریخی
بزرگ دیگری از قدیم وجود دارد که بنام طاق بستان معروف
است آثار تاریخی طاق بستان عبارتست از دو طاق حجاری شده
که در شکم کوهی بشکل غار ساخته اند که یکی از آنها بزرگتر و
معروف بطاق بزرگ دیگری طاق کوچک نامیده میشود این آثار
مربوط بدوره ساسانیان قسمتی از آن راجع به ۱۸۰۰ سال قبل
و قسمتی دیگر مربوط به ۱۳۰۰ سال پیش میباشد در این
دو طاق هیکل تمام قدا را از پادشاهان ساسانی با کمال خوبی و مهارت
به بدن کوه حجاری شده است در طاق بزرگ خسرو پرویز
پادشاه معروف ساسانی بر اسبی قوی هیکل سوار است در
بدنه دیگر این اطاق مجلس شکارگاه خسرو پرویز حجاری شده
است دو کتیبه کوچک بخط پهلوی در طاق بستان نیز وجود دارد
از زیر طاقها چشمه بزرگ آب روان است .

سل و تراحم

ناخوشی سل را از قدیم تب لازم گفته اند و دق هم میگویند بیمار سلی سرفه زیاد میکند باندازه ای که شب نمیتواند بخوابد البته سرفه از اول باین شدت نیست ولی رفته رفته زیادتر و سخت تر میشود از سینه مریض خلط میآید و این خلط گاهی آلوده بخون است بعضی اوقات هم یکمتر به یا چند متر به غفلتاً در حین سرفه خون زیاد از سینه آمده و ممکن است بقدری بیاید که در فاصله چند دقیقه بیمار را تلف نماید روز بروز شخص لاغر تر و بی قوه تر میشود مریض مسلول اشتها ندارد نفس او بیشتر وقتها و مخصوصاً در آخرهای ناخوشی تنگ میشود و شبها بیمار عرق زیاد میکند باندازه ای که پیراهن و لباس تر میشود ضربان قلب زیاد است و کم کم رمق مریض بکلی گرفته شده دیر یا زود از بین میرود طفلی که از پدر و مادر مسلول به دنیا بیاید سالم نیست و چندان عمری نخواهد کرد این ناخوشی بی اندازه مسری است ممکن است انسان از نفس کشیدن در هوایی که آلوده بمکرب سل است، مسلول شود و البته خوردن غذاهای آلوده هم سبب سرایت سل میشود شیر یکه از پستان گاو مسلول دوشیده باشند خطرناک است ولی از همه خطرناک تر این است که اشخاص مسلول اخلاط خودشانرا روی زمین میاندازند همینکه این اخلاط خشک شد داخل گرد و غبار شده میکربهای آن داخل سینه اشخاص سالم میشود و تازه جوانها بیشتر گرفتار آن میشوند یکی از وسائل جلوگیری از انتشار این مرض کشنده اینست که نکذارند

مسلول اخلاط خود را جز در سفلدان هائیکه يك دواى ميكرب کش در آن ریخته باشند نیندازند و باید مریض همیشه دستمال داشته باشد که وقتی از منزل بیرون میرود در آن تف کرده بعد دستمال را بجوشانند ظرف غذا و آب مسلول باید جدا باشد دست و دهانش را باید غالباً با آبون بشوید و بداند که این احتیاط های صحی نه تنها برای جمعیت و خانواده و کسانش بلکه برای خود او هم مفید است مریض مسلول در هوای آزاد و آفتاب زندگی کرده و قسمتی از روز را در آفتاب خورائیده و شب هم پنجره اطاقش را نیمه باز بگذارد و اگر دوا های مناسب که پزشك دانا دستور میدهد توام با غذا های مقوی مثل شیرو تخم مرغ و گوشت استعمال شود مسلول ممکن است شفا بیابد .

تراخم عبارت است از ورم وجوش پلك چشم است که اگر معالجه نشود کم کم تخم چشم را هم خراب کرده و سبب کوری میگردد. چشم کم و بیش قرمز و گاهی قرمزی ندارد پلك هاسنگین هستند و اگر آنها را بر گردانند پشت آنها برآمدگی های ریز ریزی دیده میشود وقتی یکمرتبه بطور شدید بروز کند آبی آلوده بچرك از چشم میآید تراخم اگر معالجه نشد قرینه چشم را مجروح و سوراخ میکنند این مرض در جنوب ایران خصوصاً در شوشتر و دزفول و آن نواحی بسیار است مرضی است مسری و باید زود معالجه کرده از خطر کوری جلوگیری بشود و چیزی که این مرض را زیاد میکند کثافت و گرد و خاك و مگس است که از چشمی بچشم دیگر پرواز میکند پس باید پیش از همه چیز در پاکی و نظافت کوشید و مگس را دفع کرد و در جاهائیکه تراخم زیاد است چشم را بوسیله عینك محفوظ داشت .

شاه عباس کبیر

بعد از شاه اسمعیل چند پادشاه دیگر روی کار آمدند که کارهای مهمی انجام ندادند پس از آنها پادشاه دلیر و هنرمند دیگری از میان صفویه بظهور رسید که شاه عباس خوانده میشود. شاه عباس در زمان سلطنت پدرش حکومت خراسان را داشت چون شاه عباس اوضاع دولت صفوی را خوب نمیدید بالشکر خود به پایتخت حمله برد آنجا را بگرفت و خود را شاه نامید، آنگاه با اصلاحات و ترقیات کشور پرداخت. چون ترتیب لشکر ایران مانند لشکرهای اروپائیان منظم نشده بود توپ و تفنگ هم در میان ارتش ایران کاملاً معمول نبود شاه عباس بکمک چند نفر افسر اروپائی ارتش جدید و نیرومندی برای ایران ترتیب داد سپس آذربایجان را که بچنگ عثمانیها افتاده بود از دست ایشان بدر آورد و باهالی آن سامان بخشید. قبایل مشرق را هم که بخراسان هجوم میاوردند تار و مار کرد آنگاه دوباره با دولت عثمانی بچنگ درآمد و بغداد و موصل و چند شهر دیگر را بگرفت

و عاقبت با عثمانیها بمنفعت ملت ایران صلح کرد.^{*}
چون بعضی از ملل اروپائی بتخلیج فارس دست اندازی کرده
و یکی از بنادر ایران را گرفته بودند شاه عباس از خشکی و دریا
بانان حمله برد و آن بندر را گرفته و بندر عباس نامید.
علاوه بر اینها شاه عباس راههای متعدد در ایران ساخت
و در راهها برای آسایش مسافرین و کاروانها کاروانسرا
ها و آب انبارها ساخت، در شهر اصفهان و اشرف مازندران
آبادیهای بزرگ از خود بیادگار گذاشت، در تشویق و رونق
صنعت و تجارت بسی کوشید خلاصه از هر جهت وسائل سربلندی
و خوشبختی ملت و خشود و کور را آماده ساخت پس از چهل و دو
سال سلطنت در سیصد و شانزده سال پیش در گذشت.^{*}

ثبت احوال و اسناد و املاک

هر کس میخواهد زندگی کند و با مردم آمد و رفت و داد و ستد داشته باشد باید شناسنامه بگیرد، زیرا زندگی بدون شناسنامه مشکل است، هر کس زن میگیرد یا زن خود را طلاق میدهد باید با اداره آمار اطلاع دهد و قتی یکی از افراد خانواده وفات یافت باید فوراً اداره آمار را آگاه ساخت، اینکارها وظیفه قانونی ماست و تخلف از آن اسباب زحمت و مسئولیت میشود ثبت املاک از کارهای بسیار مفید است که دارائی ما را از دستبرد اشخاص شیاد حفظ میکند، سابقاً که قانون ثبت املاک نبود اشخاص حقه بله و نابکار با اسناد ساختگی املاک مردم را تصرف میکردند، اما امروزه هر کس املاک خودش را در دفترهای دولتی ثبت کرده و سندی گرفته که مالکیت او را ثابت میکند و با این ترتیب هیچکس نمیتواند بدارائی او دست اندازی کند. معاملات و داد و ستدها نیز باید در دفاتر اسناد رسمی ثبت شود معاملاتنی که در دفتر ثبت نشده باشد اعتبار ندارد و اگر در باره آن اختلافی پیدا شد اسباب زحمت و دردسر میشود اما اسناد ثبت شده این زحمت را ندارد شما اگر پولی از کسی طلبکار باشید و سند شما در دفتر ثبت شده باشد بمحض اینکه موعد پرداخت رسید اگر پول شما را پرداخت بد فتر اسناد رسمی اطلاع میدهند اداره ثبت در مدت کوتاهی طلب شما را وصول کرده بشما میدهد.

پروا سخن تاج ارشیمان و شیر

بعد از یزدگرد نوبت پادشاهی بهرام گور رسید چون او در ایران نبود دیگری پادشاهی رسید بهرام با لشکر انبوه برای گرفتن حق خویش بایران آمد ، دانشمندان و بزرگان ایران برای جلوگیری از جنگ و خونریزی قرار گذاشتند تاج سلطنت را میان دو شیر بگذارند و هرکس آنرا بر دارد پادشاهی حق او باشد



کشنده شد از بیم چون ببهشان
 نهادند بر گوشه عاج تاج
 که تا چون بود کار آن نیک بخت
 بر شیر بادل پر از خون شدند
 نهاده یکی افسر اندر میان
 مر آنرا سزاتر که شاهی بجست
 بچنگال شیر ژیان نا توان
 بر نائی و تندرستی کند
 نهانی نداریم گفتار راست
 جهانی بدو مانده اندر شگفت
 چو دیدند شیران پر خاشجوی
 بیامد بر شهر یار بلند
 ز چشمش همه روشنائی ببرد
 فرو ریخت خون از سرش بر برش
 بسر بر نهاد آن دل افروز تاج

شاهنامه

بیر دند شیران جنگی نشان
 بیستند بر پایه تخت عاج
 جهانی نظاره بر آن تاج و تخت
 چو بهرام و خسرو بهامون شدند
 چو خسرو بدید آن دو شیر ژیان
 بدان مؤبدان گفت تاج از نخست
 و دیگر که من پیرم و او جواز
 بر این بد که او پیشدستی کند
 بدو گفت بهرام آری رواست
 یکی گرزۀ گاو تر بر گرفت
 همی رفت با گرزۀ گاو روی
 یکی زود زنجیر بگست و بند
 بزد بر سرش گرز بهرام گرد
 بر دیگر آمد بزد بر سرش
 جهاندار بنشست بر تخت عاج

نادر شاه

بعد از شاه عباس پادشاهی بکسانی رسید که لیاقت نداشتند دولت رو بناتوانی گذاشت مردم سرگرم کارهای بیهوده بودند تا کار بجائی رسید که شاه سلطان حسین آخرین پادشاه صفویه از داخل خانه خود هم خبر نداشت

در افغانستان که در آن موقع جزو ایران بود چند نفر سر کرده پرچم یافت شدند و چون از وضع دربار شاه سلطان حسین آگاهی یافتند قشونی سرو پابرهنه گرد کرده بسوی پایتخت ایران شتافتند شاه و درباریان بقدری مسامحه کردند تا افغانها پشت دروازه اصفهان رسیدند و پایتخت را در محاصره در آورده راه آذوقه را بر آن بستند تا مردم دوچار قحطی شدند و عرصه را بر پادشاه بیهنر و ترسو تنگ کردند آنگاه شاه سلطان حسین خود نزد محمود افغان سرکرده افغانها آمد و تاج سلطنت بر سر او گذاشت .
افغانها در اصفهان و سایر شهرهای ایران قتل و غارت زیاد کردند دولت عثمانی که ترس سرنیزه شاه عباس او را بجای خود نشانده بود دباز بحرکت آمد و بولایات غربی ایران قشون فرستاده و سه ماه از جانب شمال چشم طمع بولایات شمالی دوختند در این میان

مردی دلیر و میهن پرست بنام نادر در صفحه خراسان پدید آمده
خود را به پسر شاه سلطان حسین رسانید و اردوی او را قوت
بخشیده بجانب افغانه حمله برد و آنرا در دامغان و اصفهان و فارس
مغلوب ساخت آنرا از خاک میهن عزیز بیرون کرد ، سپس با
دولت عثمانی بجنگ پرداخت و قشون آن دولت را از ولایات
غربی راند و بسوی بغداد حمله ور شد روسها چون وضع را چنین
دیدند خود از ایران بیرون رفتند .

نادر پس از این رشادتها و هنر مندیها در دو است و شش سال
پیش بخواهش بزرگان ایران بر تخت سلطنت نشست و نادر شاه
نامیده شد و چون همتی بلند داشت بسوی افغانستان لشکر کشید
و آن سرزمین را مطیع ایران ساخت و از آنجا به هندوستان
حمله برد و بر پادشاه آنجا غلبه کرد اما سلطنت را باز بخود او داد
و پادشاه هند جوهرهای بسیار گرانبها پیشکش نادر شاه ساخت
و نادر شاه با غنائم فراوان بایران باز گشت بعد از آن بترکستان
حمله برد و پایتخت آنجا را بگرفت بنا بر این نادر شاه حقی
بزرگ بگردن ملت و کشور ایران دارد زیرا هم کشور را از دست
دشمن بیرون آورد و هم کشور گشائیها و فتوحاتی کرد که
مایه سر بلندی ایرانیان گردید .

آثار تاریخی

اصفهان - اردبیل

از پادشاهان صفویه که در سیصد سال پیش در ایران سلطنت می‌کردند مخصوصاً از شاه عباس کبیر آثار بزرگی در اصفهان و اردبیل بیادگار مانده که کلیه این آثار دلیل بر ترقی صنعت معماری و مهندسی و ظرافت کاری ایرانیان آن دوره است. صنایعی که بیشتر در ضمن آثار تاریخی صفوی جلب نظر کرده است کاشی کاری و تقاشی بر در و دیوار و ایوان عمارات است. صنعت کاشی سازی در عهد صفویه باوج ترقی خود رسید چنانکه آثار آن دوره اسباب حیرت بینندگان داخلی و خارجی است. چون اصفهان پایتخت صفویه بوده بیشتر یادگارهای معماران و صنعتگران بزرگ ایرانی در آن دوره در این شهر باقی مانده است و مهمترین آنها عبارتست از مسجد شیخ لطف الله که دارای گنبدی تمام کاشی است. کاشی کاری این گنبد بقدری ظریف و بامهارت انجام شده که يك پارچه و مانند يك كاسه بزرگ

واژگون شده بنظر میرسد و مسجد شاه اصفهان که از عجایب معماری است و عمارت چهل ستون و چند پل بزرگ مانند پل اللهوردیخان و پل بابارکن الدین که بر روی رودخانه زاینده - رود زده شده این پلها نه تنها وسیله عبور از رودخانه است بلکه طرز ساختمان آنها طوری است که از بهترین گردشگاه های مردم میباشد .

در اردبیل نیز از دوره صفویه بنای بزرگی بیادگار مانده که معروف بمقبره شیخ صفی الدین اردبیلی است - در این بنا علاوه بر مقبره شیخ صفی الدین چند تن از پادشاهان صفویه نیز مدفون هستند - کاشی کاریهای این بنا و طرز معماری آن نیز از شاهکارهای بی نظیر میباشد . مقبره شیخ صفی الدین دارای کتابخانه بزرگی بوده که اکنون کتابهای آن متفرق شده درهای این بنا اغلب طلا کاری و تفره کاری و از آثار گرانبها به ده است .

جنگهای ایران و روس

بطوریکه در پیش گفتیم روسها در ضمن فتنه افغان قدم بخاک ایران نهاده بودند اما وقتی فتوحات و ضرب شمشیر نادر را دیدند پس کشیدند و باز در پی فرصت بودند که بخاک ایران دست اندازی کنند تا اینکه سلطنت ایران بخانواده قاجاریه رسید روسها چشم طمع بینیکی از ولایات زرخیز شمالی که قفقاز نام دارد دوختند و قشون به آنجا فرستادند آغامحمدخان مؤسس دولت قاجار لشکر کشید که روسها را پس بنشانند اما قشون روس بمناسبت فوت پادشاه روسیه قفقاز را خالی کرد و تنها زو خود مختصری رویداد. پس از آغامحمدخان سلطنت بفتحعلی شاه رسید این پادشاه مردی خودخواه و عیاش و زودباور و ترسو و بیهنر بود روسها دانستند که موقع گرفتن قفقاز رسیده است بنابراین والی کرجستان را دست نشانده خود ساختند. فتحعلیشاه بر آن شد که ولایت کرجستان را از روسها بازستاند و عباس میرزا ولیعهد خود را که جوانی دلیر بود با قشونی بسمت قفقاز فرستاد. میان عباس میرزا و سرداران روسی در قفقاز جنگها وزد و خورد های بسیار اتفاق

افتاد در ابتدا قشون ایران پیشرفتهای نمایان میکرد اما دو عیب بزرگ پیدا شد که کار قشون ایرانرا زار ساخت یکی آنکه اطرافیان شاه به پیشرفتهای عباس میرزا رشک میبردند و اغلب ذهن شاه را بابت او تیره میساختند و پادشاه هم نمیتوانست بفهمد که در مقابل ارتش بیگانه نباید بسخن اطرافیان گوش دهد چنانکه اغلب برای عباس میرزا پول و کمک نمیفرستاد و ارتش ایران را در برابر دشمن بیچاره و تهی دست میگذاشت عیب دوم این بود که عده قشون ایران هر چند زیاد بود ولی اکثر آنها مشق نکرده و

نامنظم بودند و نمیتوانستند در برابر سپاه بیگران و منظم روس ایستادگی کنند ، ناچار پس از دوازده جنگ میان ایران و روسها که يك دوره نه سال و دوره دومی دو سال طول کشید قشون فتحعلی شاه شکستی فاحش یافت بطوریکه مجبور شد بهر چه روسها میخواهند رضایت دهد . میدان جنگ بیشتر ولایت معتبر قفقاز و در آخر کار قسمتی از آذربایجان بود .

فتحعلی شاه پس از چند شکست که از روسها خورد باروسها مصالحه کرد و ولایت قفقاز را که جزء ایران بود بر روسها واگذار کرد این وقایع شوم در صد و بیست سال پیش رخ داد .

پرچم و سرود ملی

پرچم ایران دارای سه رنگ سبز و سفید و قرمز است که شیر و خورشید روی آن نقش شده است اشخاص میهن پرست پرچم ایرانرا دوست دارند ، موقعیکه پرچم در حال عبور باشد جلو آن با احترام میایستند ، احترام پرچم ملی از وظایف ایرانیان نجیب و شاهپرست است که هیچوقت از انجام آن غفلت نمیکنند

سرود ملی آهنگی است که دلهای ما را بهم ارتباط میدهد سرود ملی بنام شاهنشاه بزرگوار ماساخته شده است ، هر فرد ایرانی باید سرود ملی را بداند و بتواند آنرا مطابق آهنگ اصلی بخواند .

هرجا آهنگ سرود ملی را نواختند باید بحال احترام ایستاد سرود ملی اینست .

(۱)

شاهنشاه ما زنده با دا	پاید کشور بفرش جاودان
کرپهلوی شد ملک ایران	صد ره بهتر ز عهد باستان

از دشمنان بودی پریشان
در سایه اش آسوده ایران
ایرانیان پیوسته شادان
همواره یزدان بود اورانگهبان

(۲)

ای پرچم خورشید ایران
یاد آور از آن روز گاری
در سایه ات جان میفشانیم
ما وارث ملک کیانیم
پرتو افکن بروی اینجهان
کاسود از برق تیغت هر کران
از دشمنان جان میستانیم
همیشه خواهیم وطن را از دل و جان

(۳)

بودیم و هستیم پیرو حق
با شه پرستی مملکت را
ما پیرو کردار نیکیم
رخشنده از گفتار نیکیم
بخزق هرگز نخواهیم از جهان
داریم از دست دشمن در امان
روشندل از پندار نیکیم
شدزین فضائل بلند آوازه ایران

راه آهن ایران

راه آهن ایران از بندر شاهپور در کنار خلیج فارس شروع شده و به بندر شاه در کنار بحر خزر در گرگان ختم میشود.

ساختمان آن از ۱۳۰۶ از بندر شاه و بندر شاهپور یکمتر به شروع شده و اشکال عمده ساختمان آن عبور از کوهستانهای مرتفع البرز و کوه های لرستان و مغرب ایران میباشد.

راه آهن در وقت گذشتن از البرز از نود و چهار تونل و عدد بسیاری از پلهای بزرگ میگردد و طول بزرگترین تونلهای شمال ۲۸۸۰ متر (نونل گدوگ نزدیک فیروزکوه) و مهمترین پلهای آن پل ورسک است.

اگر چه فاصله طهران از بندر شاه قریب سیصد و پنجاه کیلو متر است ولی چون راه آهن شمال باید در دره های البرز پیچ های متعدد بخورد اول خط آهن از بندر شاه بطهران قریب چهار صد و شصت کیلو متر شده است.

راه آهن در کوههای لرستان باید از دره‌ها و گردنه‌های بسیار بگذرد و از یک صد و چهل و دو تونل عبور نماید و بزرگترین تونل‌های آن ۲۵۰۰ متر طول دارد.

شهرهایی که راه آهن از آنها می‌گذرد عبارتند از بندر شاه بندر گز، اشرف، ساری، شاهی، فیروزکوه، ورامین، ری تهران، قم، سلطان آباد، صالح آباد، اهواز، بندر شاپور. قسمتی از خط شمال یعنی از بندر شاه تا طهران و قسمتی از خط جنوب یعنی از بندر شاپور تا خرم آباد تمام شده ولی در تمام قسمتهای دیگر عملیات ساختمانی با نهایت سرعت پیشرفت دارد و در ابتدای سنه ۱۳۱۸ این دو قسمت یکدیگر متصل شده و راه آهن سرتاسری ایران تمام شده مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

دوره ناولی

بعد از شکست های فتحعلی شاه از روسها دیگر دولته
 و ملت ایران نتوانست سر بلند کند بلکه بواسطه بی علاقگی
 پادشاهان قاجار باسایش و خوشبختی کشور روز بروز برای
 ایرانیان اسباب شرمساری و گرفتاری بیشتر فراهم میشد.
 بیگانگان عهد نامه هائی با دولت ایران بستند که تمام بصلاح
 و صرفه خودشان بود بطوریکه اگر یکنفر بیگانه در کشور
 مایک نفر ایرانی را میکشد یا مال یکنفر ایرانی را میرد
 دولت ایران نمیتوانست آن بیگانه را محاکمه کند.
 از طرف دیگر در سمت ترکستان ولایات آباد دیگری مانند
 مرو و خیوه از دست رفت. افغانستان که در زمان نادر شاه
 دوباره جزو ایران شده بود بتدریج از زیر نفوذ دولت ایران
 بیرون رفت.

سستی در ارکان دولت کهن سال ایران راه یافت بطوری
 که دولت دیگر نمیتوانست امنیت راهپارانگاهدارد و غارتگران

و دزدان کاروانها را میچاپیدند ناچار تجارت هم از رونق افتاد .
وسایل برای تحصیل و تعلیم مردم وجود نداشت و عامه مردم
از کوچک و بزرگ بیسواد و نادان بودند .
هر چند سال قحطی و ناخوشی گروهی از مردم را نابود میساخت
و دولت نمیتوانست راه چاره‌ای بیندیشد
بالجمله دولت و ملت ایران که همواره در دنیا با شوکت و نیرو
و سر بلندی میزیسته و از ملل پیشرو و فاتح بشمار بودند مثنی
مردم درمانده و ناتوان و بینوا شدند و در دنیا کسی قدر و قیمتی
برای آنان قائل نبود .

اندرزهای آسمانی

خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند چنانچه باید بترسید
و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید: به ریسمان خدا چنگ
زنید و پراکنده مشوید و نعمت خدا را بیاد آورید که با هم دشمن
بودید و دل‌های شما را با هم مهربان ساخت و بنعمت وی بایکدیگر
برادر شدید. بر لب مغاک آتش جای داشتید و شما را از آن
نجات بخشید. بدینگونه خداوند آیات خویش را برای شما
بیان میفرماید شاید هدایت شوید.

عصر جدید

هنکامیکه ناتوانی و عقب افتادگی بمنتها درجه رسید و چیزی نمانده بود که نام بلند ایران و ایرانیان از صفحه عالم سترده شود در شب سوم اسفند ۱۲۹۹ یعنی هفده سال پیش یکی از افسران رشید کشور بانروی خود از قزوین بسوی طهران راند و پایتخت را که مرکز فتنه و فساد بود بگرفت، این افسر رشید بنام بهلوی نخستین زمام فرماندهی کل قوا و وزارت جنگ را بکف گرفت و باصلاحات نظامی و آماده ساختن هنگ ها و لشگرها پرداخت و پس از چند سال ناامنی و اغتشاش لذت امنیت را بمردم این کشور چشانید.

وقتی مردم این هنرهای بزرگ را از پیشوای برگزیده خود دیدند مقام ریاست وزرا را نیز بوی سپردند و او در این دوره دست باصلاحات بزرگ زد راههای کشور را مرتب ساخت، تجارت را رونق داد، درآمد و هزینه کشور را منظم نمود، وزارت خانه ها و ادارات را بصورت آبرومند در آورد و در مدتی کوتاه بقدری درهای خوشبختی بروی مردم ستم دیده ایران گشود که پس از

دو سال مردم همه یکدل و یک جهت خواهان پادشاهی وی گشتند .
از تمام شهر های ایران نمایندگان مردم بطهران آمدند
و مجلسی بزرگ تشکیل دادند و در آذر ۱۳۰۴ یعنی دوازده
سال پیش اعلیحضرت پهلوی را بشاهنشاهی شور برگزیدند
و از آن پس ایران و ایرانیان در پرتو توجهات اعلیحضرت
همایون شاهنشاه پهلوی بسرعت راد ترقی و نیکیختی پیش گرفتند .

اندرزهای آسمانی

خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید:

نماز را بجای آورید و زکوة را ادا کنید، آنچه را پیش
از خود بفرستید نزد خدا خواهید یافت.
ای کسانی که ایمان آورده اید بدین اسلام و سلامت و صلح
وارد شوید و پیرو شیطان مباشید زیرا او دشمن آشکار شماست
ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و با راستگویان
باشید چیزیرا که علم و یقین بدان نداری پیروی مکن زیرا
چشم و گوش و دل همه از آن مسئول هستند.

ترقیات ایران در عصر محمد

چنانکه در پیش گفتیم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در اندک زمانی مردم ایران را سعادتمند و سربلند ساخت و اینک به بیان مختصری از این ترقیات میپردازیم .

تجارت و صنعت - قبل از سلطنت اعلیحضرت پهلوی راههای ارابه رو در ایران بقدری کم بود که میتوان گفت اصلا وجود نداشت باین جهت حمل کالا و مسافرت کاری بس دشوار بود اغلب کالاها و مسافرین ماهها در راه برای رسیدن از شهری بشهری معطل میشدند البته با این ترتیب تجارت از میان رفته بود .

پس از ظهور اعلیحضرت پهلوی دولت فوراً شروع بساختن راههای ارابه رو در تمام کشور نمود بطوریکه فعلا تمام شهرها و قصبات ایران با راههای خوب بیکدیگر متصل است و بارهای سنگین مال التجاره بسرعت از این شهر بان شهر میرود و تجارت رونقی بسزا یافته چنانکه در این یازده سال که از سلطنت باعظمت

پهلوی میگردند تجارت ایران تقریباً دو برابر گشته است.

از صنعت ایران فقط قالی بافی باقیمانده بود در صورتیکه صنایع جدید در اروپا ترقیات کلی کرده و هر کشور زنده مجبور بود دارای کارخانه ها و صنایع ماشین بشود این قسمت هم باصر شاهانه مرتب گردید و تا کنون بیشتر از سیصد کارخانه برای قندسازی، پارچه بافی، نخریسی سیمان سازی، صابون سازی، کفش دوزی و سایر کارهای مفید در کشور تأسیس گردیده و احتیاجات اهالی را بکلی رفع و کشور را از مصنوعات خارجی تا اندازه ای ببنیاز ساخته است.

آبادی - قبل از ظهور پهلوی شهر های ایران مرکب از کوچه های تنگ و سنگلاخ و پر گل و در نهایت درجه کثافت بود چنانکه شهر های بزرگ کانون تشکیل ناخوشیها شده بود باصر شاهانه در تمام شهر ها مانند طهران - مشهد - اصفهان - تبریز - شیراز و حتی شهر های کوچک بساختمان خیابانها و کوچه ها و تهیه وسائل نظافت و روشنائی شهرها اقدام گردید. در تمام ایران مردم با جوش و خروش به ایجاد ساختمانهای زیبا و عمارات عالی و مغازه های دلربا مشغول هستند مصالح ساختمان

که فقط گل و خشت و گاهی آجر بود تبدیل بسنگ و سیمان و آهن و آجرهای زیبا شده است .

این ساختمانها و آبادیها نماینده تمدن جدید در ایران گشته و ثابت میسازد که ایرانیان خود را از عقب ماندگی خلاص ساخته اند .

معارف - قبل از ظهور اعلیحضرت پهلوی عده آموزشگاهها کم و اطفال در کوچه ها و یلان و بی تربیت و بیسواد بارمی آمدند چنانکه سرتاسر کشور بیش از پانصد آموزشگاه ناقص وجود نداشت و عده نو آموزان در حدود پنجاه هزار نفر بود . شاهنشاه بزرگ در این قسمت نیز توجه فرمود و در فاصله چند سال در تمام شهرها و اکثر قصبات آموزشگاههای جدید دایر گردید حتی در سالهای اخیر عمارات و ساختمانهای زیبا در اکثر شهرها برای دبیرستانها و دبستانها ساخته شد بطوریکه عده آموزشگاهها از پنجاه هزار متجاوز شده عده دانش آموزان به دویست و شصت هزار نفر رسیده است .

در سال ۱۳۱۵ هم بامر شاهنشاه هزار پانصد کلاس اکابر در سرتاسر کشور برای تعلیم و تربیت بیسوادان تشکیل شد

و قریب صد هزار نفر در این کلاسها بتحصیل سواد و سعادت مشغولند .

از همه مهمتر آنستکه پیش از ظهور اعلیحضرت پهلوی ایران و ایرانیان در نظر بیگانگان وضع خوشی نداشتند لیکن پس از این همه اصلاحات و آبادیها ایران و ایرانیان در نظر بیگانگان آبرو و احترامی فوق العاده یافتند و خارجیهها در ایران مطیع قوانین ایران شدند پیش از سلطنت اعلیحضرت پهلوی زنها و دخترهای کشور در چادرهای سیاه مستور بودند و دور از زندگانی اجتماعی میزیستند یعنی در حقیقت جزو ملت بشمار نمیامدند لیکن با مر شاهنشاه دو سال پیش زنها و دخترها از این قید آزاد و وارد زندگانی اجتماعی و عمومی شدند .

بنابر این شاهنشاه بزرگوار ما گذشته از اصلاحات مالی و تجارتي و صنعتی و آرتشی وضع زندگی اجتماعی ما را نیز اصلاح فرموده اند .

(۱)

اشکال هندسی

۱ - مستطیل شکلی را گویند چهار گوشه که دارای چهار زاویه

مساوی است

اگر چهار زاویه چهار پهلوئی آن مساوی باشد آنرا مربع نامند
مساحت مستطیل و مربع مساوی است با حاصل ضرب دو ضلع آنها
۲- اگر شکلی سه زاویه و سه پهلو داشته باشد آنرا مثلث گویند
و مثلث ممکن است دارای دو زاویه مساوی یا سه زاویه مساوی یا یک
زاویه راست باشد.

ارتفاع مثلث خطی است که از رأس آن بر قاعده عمود شود.

مساحت مثلث مساویست با حاصل ضرب قاعده در نصف ارتفاع.

۳- ذوزنقه چهار گوشه است که دو ضلع موازی و دو ضلع ناموازی
دارد مساحت آن مساویست با نصف حاصل ضرب ارتفاع در جمع
دو ضلع متوازی.

۴- کثیرالاضلاع شکلی را گویند که چندین ضلع دارد مانند
پنج ضلعی و شش ضلعی و هفت ضلعی و ده ضلعی.

دایره شکلی است که همه نقاط آن از نقطه دزونی موسوم بمرکز
یک فاصله باشند و آنرا با پرگار رسم میکنند.

خطی که از محیط بمرکز وصل میشود شعاع است

طول محیط دایره مساویست با حاصل ضرب دو برابر شعاع در

۱- آموزگار اشکال این درس را روی تخته رسم کرده را جم بهر یک از آنها

با توجه بندرجات این درس توضیحات کافی بدهد.

۳۱۴ و این عدد را پی میگویند .

طول محیط دایره مساویست با ۳۱۴ ضرب دو برابر شعاع .

طول محیط دایره که شعاعش ۴ متر باشد $۲ \times ۴ \times ۳۱۴ = ۲۵۱۲$ متر باشد

بیست و پنج مترو دوازده سانتیمتر است و مساحت آن

$۳۱۴ \times ۴ \times ۴ = ۵۰۲۴$ پنجاه مترو ۲۴ دسیمتر مربع است .

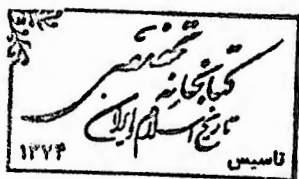
بیضی شکلی است که دارای دو مرکز موسوم بکانون و دو قطر است

که یکی کوتاهتر و دیگری بلندتر است مساحت بیضی مساویست با حاصل

ضرب نصف دو قطر در ۳۱۴ — اگر قطر کوچکتر ۴ و قطر بزرگتر ۶

متر میشود مساحت بیضی چنین است

$۲ \times ۳ \times ۳۱۴ = ۸۸۴$



گنجش

دهقان سالخورده موقع پائیز در کشتزار تخم میافشانند
حسن پسر کوچکش جاو دوید و گفت باباجان چرا این
گندمهای شسته و پاکیزه را در خاک میریزی! ..

دهقان پیر بخندید و گفت: برای اینکه هر يك از این
گندمها در موقع خود چند گندم خواهد شد و بجای این
چند مشت گندم يك انبار پر از گندم خواهیم داشت
چشمهای حسن از خوشحالی برق زد و گفت: بابا جان
امروز چند مشت گندم در خاک ریختن و فردا يك انبار
گندم داشتن واقعا چه کار خوبی است .

تمام مردم این طریقه را پیروی میکنند ، امروز تخم میافشانند
تا فردا حاصل آنرا بردارند شما که امروز طفل خود را به آموزشگاه
میفرستید درختی می نشانید که فردا ثمر خواهد داد ممکن است
بگوئید : من فقیرم ، باید طفل من کار کند و نان خود را پیدا کند! ..
شما هر قدر فقیر باشید بیشتر باید باین موضوع اهمیت
بدهید ، بدون تردید شما گاهی بلیت لاتار میخرید امروز پول

مید هید بامید اینکه فردا ثروت هنگفتی نصیب شما شود ،
اما نتیجه لاتار مطمئن نیست ؛ از کجا که بخت شما بیدار باشد
و پولی نصیبتان شود ، ولی هزینه ای که برای تحصیل طفل
خود میکنید اینطور نیست ، نتیجه آن قطعی و مطمئن است ،
شما فقیر هستید نمیتوانید ثروتی برای طفل خود بگذارید
لااقل کوشش کنید تا ثروتی از علم و معرفت برایش فراهم کنید
طفل شما اگر به آموزشگاه نرود نادان میماند ، آدم نادان کور
است و هیچکار از او ساخته نیست ، باید بکارهای پست و کثیف
تن در نهد ، زیاد رنج ببرد و کم استفاده کند

اما شخص دانا اینطور نیست کارهای مفید انجام میدهد
خودش استفاده میکند و بدیگران هم فایده میرساند ، بنابراین
کوشش کنید بهر وسیله هست طفل خود را به آموزشگاه بفرستید

ارتش نرومندا

قبل از ظهور اعلیحضرت پهلوی قشون، ایران چند فوج بی ترتیب و بی اسلحه بود که جیره و مواجب مرتبی نداشت و بدر روز سختی نمیخورد پیشوای ایرانیان در ظرف چند سال ارتش جدیدی مرکب از لشکرها و تیپها تشکیل داد. در نقاط همه کشور سربازخانههای بزرگ با تمام وسائل ترتیب داد سربازان آماده ساخت و کلیه جوانان کشور را بترتیب منظمی باین سربازخانهها آورد تا با فراگرفتن فنون سربازی اسباب نیروی دولت و ملت گردند و میهن عزیز را از هرگونه دستبردی نگاهداری نمایند، برای ارتش ایران تازهترین اسلحهها و اسبابها فراهم گردیده علاوه بر نیروی زمینی که لشکرهای پیاده و سوار و توپخانه است نیروی هوائی مرکب از هواپیماهای جنگی برای کشور تهیه دید. همچنین کشتیهای جنگی تهیه شد تا از سواحل کشور دفاع کنند خلاصه در ظرف پانزده سال آن چند فوج بی اسلحه و لباس نظام را به نیروهای کامل جنگی زمینی و هوائی و دریائی مبدل ساخت.

سخن حکمت آمیز

مسلمان کسی که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند . مسلمان برادر مسلمان است و به او ستم نکنند و بد نگویند . خداوند پیامرزد کسی را که سخن نیکو گویند و غنیمت برد یا خاموش باشد و سالم ماند .

بندگان همه عیال خدا هستند ، محبوب ترین بندگان خدا کسی است که برای او سودمند تر باشد .
حضرت رسول (ص)



قبل از ظهور اعلیٰ حضرت پهلوی چون دولت ارتش منظمی نداشت در راهها دزدهای مسلح راه را بر کاروانهایی بستند و آنانرا غارت میکردند و اغلب میکشتمند بطوری که فرستادن کالا یا مسافرت از شهری بشهری بی نهایت دشوار بود شهرها هم امنیتی نداشت گاهی اتفاق میافتاد دزدان راهها خود را بشهرها میرساندند و اهالی را غارت میکردند و جماعتی را میکشتمند در هر ولایت چند طایفه مسلح و چادر نشین بنام ایل وجود داشت و ایلات هر ولایت امنیت راهها و شهرهای آن ولایت را از میان برده بودند، در تمام راههای امنیه بفاصله های معین بزرگ قرار میدادند ایلات هر ایالت خلع اسلحه شدند و چون راه زندگانی این ایلات از دزدی بود و زندگانی صحراگردی داشتند بامر اعلیٰ حضرت شاهنشاه پهلوی برای این طوایف خانه ساختند و زمین و بندر و سایر لوازم زراعت را مجاناً به آنان دادند تا از راه زراعت و کار زندگانی کنند با این ترتیب در دوره اعلیٰ حضرت پهلوی امنیت در تمام راهها و شهرهای ایران

برقرار شد بطوریکه یکنفر در دل شب میتواند از راههایی
که سابقاً پرندگان هم جرأت عبور نداشتند باکمال اطمینان
بگذرد از برکت همین امنیت است که بارکشی کالا و مسافرت
در ایران افزایش فوق العاده یافته است

امنیت امروز ایران در کمتر کشوری وجود دارد و این
نعمت بزرگ را که خداوند نصیب ما را نیان کرده بایز از ته
دل قدر بدانیم .

